



فهرست

- قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵..... صفحه ۳
- مواد ۳۱ الی ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی..... صفحه ۲۲
- قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷..... صفحه ۲۹
- مواد ۳۴ الی ۴۹ نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۹ وزارت دادگستری..... صفحه ۳۶
- آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر و کرایه دادگستری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ رئیس قوه قضائیه..... صفحه ۴۰
- لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵..... صفحه ۵۳
- آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰/۴/۲ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات ۱۴۰۲/۴/۱۱..... صفحه ۶۵



قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵

وکیل و شرایط وکالت

ماده ۱- وکالت در عدلیه دارای درجات ذیل است:

- ۱- وکالت در محاکم صلح (دادگاه عمومی) و بدایت (دادگاه عمومی) و استیناف (دادگاه تجدیدنظر) و تمیز (دیوان عالی کشور).
- ۲- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف.



۳- وکالت در محاکم صلح و بدایت.

تبصره ۱- وزارت عدلیه می تواند وکالت وکلا درجه ۲ و ۳ را محدود به حوزه معین نماید.

تبصره ۲- وزارت عدلیه می تواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان شغل وکالت که معلوماتشان کافی برای درجات سه گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محاکم صلح یا محقق ثبت یا نزد مأمورین صلح در حوزه های معین بدهد - اگر داوطلب مزبور در حین اجرای این قانون مشغول وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه گانه فوق تصدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود این اشخاص کارگشا نامیده می شوند. **(به موجب تبصره ذیل ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب خرداد ماه ۱۳۵۶ نسخ شده است.)**

ماده ۲- اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آن ها وکالت در عدلیه نباشد اگر بخواهند برای اقربای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آن ها در سال، سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود.

ماده ۳- وزارت عدلیه می تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه اول بدهد: **(به نظر می رسد به موجب ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)**

۱- به اشخاصی که سابقاً صلاحیت آنان را محکمه انتظامی برای وکالت در تمام مراحل قضایی تصدیق نموده باشد و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.



۲- به اشخاصی که لااقل دارای رتبه پنج قضایی بوده و پنج سال متوالی یا متناوب خدمت قضایی داشته باشند - یا با اشخاصی که شاغل خدمات قضایی در طبقه دوم مقامات قضایی گردیده و مدت پنج سال متوالی یا متناوب اشتغال به خدمات مزبوره داشته و در هر صورت سلب صلاحیت قضایی از آن ها نشده باشد.

۳- به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند و یک سال قضاوت یا دو سال وکالت کرده‌اند.

۴- به کسانی که قبل از اجراء این قانون نه سال سابقه شغل وکالت دارند با اینکه مجموع اشتغال ایشان در شغل قضایی و وکالت نه سال باشد و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجرای این قانون هم اجازه وکالت در تمام مراحل داشته باشند.

ماده ۴- وزارت عدلیه می تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه دوم بدهد: **(به نظر می رسد به موجب ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)**

۱- اشخاصی که سه سال متناوب یا متوالی اشتغال به خدمات قضایی داشته و سلب صلاحیت قضایی از آن ها نشده باشد.

۲- به اشخاصی که از دانشکده‌های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا هستند.

۳- به اشخاصی که قبل از اجراء این قانون شش سال سابقه شغل وکالت دارند و یا اینکه مجموع اشتغال آن ها به خدمات قضایی و



وکالت شش سال بوده و محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجرای این قانون اجازه وکالت داشته باشند.

ماده ۵- وزارت عدلیه می تواند بدواً به اشخاص ذیل اجازه وکالت درجه سوم بدهد. : (به نظر می رسد به موجب ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

۱- فارغ التحصیل های کلاس قضایی که یک سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند.

۲- اشخاصی که قبل از اجراء این قانون ۳ سال سابقه شغل وکالت داشته و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

۳- به فارغ التحصیل های کلاس قضایی با یک سال آزمایش یا کسانی که برنامه کلاس قضایی را در مواقعی که وزارت عدلیه معین می نماید امتحان بدهند با یک سال آزمایش.

ماده ۶- اشخاصی که به موجب حکم محکمه انتظامی ممنوع الوکاله شده اند هرگاه موجب حکم صرفاً فقد معلومات بوده می توانند از مقررات تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند ، هرگاه ممنوعیت فقط از جهات اخلاقی بوده پس از پنج سال از تاریخ صدور حکم می توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر اینکه در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آن ها مشاهده نشده باشد ، هرگاه ممنوعیت از هر دو جهت بوده در صورت گذشتن پنج سال نیز می توانند از مورد تبصره ۲ ماده ۱ استفاده نمایند.



ماده ۷- به اشخاص ذیل اجازه شغل وکالت داده نمی شود: (به نظر می رسد به موجب ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

۱- اتباع خارجه.

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی در حین اشتغال به خدمت به استثناء استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه وزارت معارف.

۳- کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال است.

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاصی که مرتکب اعمالی شوند که منافای با شئون وکالت است.

۶- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافای عفت.

۷- اشخاصی که تحت ولایت یا قیمومت هستند.

۸- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه که به موجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی یا از شغل وکالت باشند و یا این که محکمه محکومیت مزبور را در حکم خود قید کرده باشد.

۹- کسانی که به اتهام ارتکاب جنایت یا جنحه‌ای که به موجب قانون مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی است تحت محاکمه هستند.

۱۰- اشخاصی که به امر وزیر عدلیه طبق ماده ۴۷ این قانون از شغل وکالت معلق هستند.



۱۱- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

۱۲- وکلا که وجه پروانه وکالت را در موعد مقرر نپردازند.

۱۳- وکلایی که در ظرف مدتی که وزارت عدلیه برای اجرای ماده یک این قانون در هر حوزه قضایی تعیین می نماید درخواست پروانه وکالت ننمایند.

ماده ۸- اشخاصی که قبل از اجرای این قانون پروانه وکالت نداشته و بخواهند آن را تحصیل نمایند در صورت دارا بودن شرایط مقرر در این قانون باید لااقل مدت یک سال در کانون وکلا عمل بنمایند. عمل مزبور- دوره آزمایش نامیده می شود.

ترتیب وکالت وکلا را در دوره آزمایش و طرز مداخله آن ها را در محاکمات و تمریناتی که طی دوره آزمایش بایستی در امور قضایی انجام دهند وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین می نماید:

برای وکالت در دوره آزمایش پروانه مخصوص مقرر است و مراحل را که طبق این قانون در دوره آزمایش اجازه داده می شود وکالت بنمایند در آن قید می گردد.

در مورد اشخاصی که دارای دانشنامه لیسانس یا دکترا از دانشکده‌های داخله یا خارجه هستند دوره آزمایش فقط برای پروانه وکالت درجه اول لازم است ولی با داشتن سوابق خدمات قضایی یا اداری در وزارت عدلیه وزیر عدلیه می تواند آن ها را نیز از دوره آزمایش معاف کند. (به نظر می رسد به موجب ماده ۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)



تبصره ۱- وزارت عدلیه می تواند اشخاصی را که مشمول مورد ۲ و ۳ ماده ۳ این قانون هستند از دوره آزمایش معاف بدارد.

تبصره ۲- در صورتی که وکیل در دوره آزمایش طبق نظامنامه از طرف یکی از وکلای در محاکمات دخالت نماید مسئولیت اعمال او متوجه وکیلی است که او را تعیین نموده و هر گاه از طرف معاضدت قضایی کار به او احاله شود بایستی تحت هدایت و نظارت معاضدت قضایی انجام وظیفه نماید.

ماده ۹- اجازه وکالت درجات ۱ و ۲ و ۳ که مطابق قانون ۲۰ شهریور ۱۳۱۴ تا تصویب این قانون تصدیق شده در صورت تسلیم تقاضاکننده به اعتبار خود باقی است.

ماده ۱۰- اشخاصی که می خواهند اجازه وکالت تحصیل نمایند باید به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه تقاضانامه بدهند. ترتیب تقاضانامه را وزارت عدلیه تعیین خواهد نمود. **(به نظر می رسد به موجب مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)**

ماده ۱۱- دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه در ظرف دو ماه از تاریخ تقاضانامه باید عقیده خود را در رد یا قبول تقاضا و در صورت قبول درجه که برای تقاضاکننده در نظر گرفته به مشارالیه یا اقامتگاه قانونی او ابلاغ نماید در صورتی که تقاضاکننده تسلیم به عقیده اداره مزبوره باشد پروانه وکالت در حدود مقررات این قانون صادر می شود.

نسبت به تقاضای وکالت اتفاقی دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه هر چه زودتر تکلیف رد یا قبول تقاضا را معین می کنند. **(به نظر می**



رسد به موجب مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ (نسخ شده است)

ماده ۱۲ - اشخاصی که به تصمیم و تشخیص دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه تسلیم نیستند می توانند تا یک ماه پس از ابلاغ نظریه دفتر مزبور به محکمه انتظامی رجوع و تقاضای رسیدگی نمایند عرض حال مزبور در مرکز مستقیماً به دفتر محکمه انتظامی و در ولایات به دفتر یکی از محاکم محل اقامت شاکی تقدیم می شود و دفتر آن محکمه مکلف است در ظرف ۳ روز به محکمه انتظامی ارسال دارد تا تکلیف اختلاف در محکمه انتظامی تعیین نشده است رأی دفتر مزبور موقتاً معتبر است. (به نظر می رسد به موجب مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

ماده ۱۳ - محکمه انتظامی نسبت به جهت اختلاف رسیدگی کرده و با در نظر گرفتن سوابق اخلاقی او رأی مقتضی صادر و به دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه و شاکی ابلاغ می نماید. رأی مزبور قطعی است. (به نظر می رسد به موجب مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

ماده ۱۴ - وکلای عدلیه باید مطابق نظامنامه وزارت عدلیه قسم یاد نمایند.

ماده ۱۵ - پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفه ذیل تمبر شود. (ارقام مذکور در این ماده با توجه به قانون بودجه کل کشور تغییر نموده است)

۱ - پروانه وکالت درجه یک ۴۰۰۰ ریال.



۲ - پروانه وکالت درجه دو ۲۰۰۰ ریال.

۳ - پروانه وکالت درجه سه ۱۵۰۰ ریال

۴ - پروانه وکالت کارگشایی به تفاوت نقاط از ۵۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال.

۵ - کلیه هزینه‌های دادرسی دفتری دادگاه‌های مدنی خاص در سطح دادگاه‌های حقوقی دو تثبیت می‌گردد.

ماده ۱۶ - پس از انجام مقررات فوق، اسم وکیل در مجله رسمی درج و در لوحه مخصوص ثبت و در اتاق محکمه نصب می‌شود.

فصل دوم

تشکیلات وکلا

ماده ۱۷ - وزارت عدلیه در هر محلی که مقتضی بداند کانون وکلا تشکیل خواهد داد. (به نظر می‌رسد به موجب ماده ۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

ماده ۱۸ - کانون وکلا مؤسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عوائد و مخارج مستقل می‌باشد (به نظر می‌رسد به موجب ماده ۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)



ماده ۱۹ - وظایف کانون به قرار ذیل است: (به نظر می رسد به موجب ماده ۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

۱ - نظارت در اعمال وکلا و تهیه موجبات ترقی علمی و اخلاقی آن ها.

۲ - معاضدت قضایی (تعیین وکیل برای اشخاص معسر یا بی بضاعت) مطابق نظامنامه وزارت عدلیه.

۳ - راهنمایی و تعلیمات به اشخاصی که در عدلیه یا اداره ثبت مراجعه دارند و از قوانین بی اطلاع هستند.

۴ - سرپرستی وکلای مبتدی و تنظیم دوره آزمایش آن ها.

ماده ۲۰ - کانون هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد .

هیأت مدیره مرکب است از پنج الی دوازده نفر عضو که وزیر عدلیه از بین وکلا انتخاب می کند.

اعضای هیأت مدیره باید حتی الامکان از وکلای درجه اول و یا دوم باشند. (به نظر می رسد به موجب ماده ۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است)

ماده ۲۱ - انتخاب هیأت عامله کانون با وزارت عدلیه است - رئیس کانون ممکن است از مستخدمین قضایی یا اداری وزارت عدلیه انتخاب شود. (به نظر می رسد به موجب ماده ۲ و ۳ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).



ماده ۲۲ - دفتر اوراق راجعه به وکالت باید مطابق نمونه ای که کانون مرکز تعیین می نماید تهیه شود ، درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون خواهد رسید.

ماده ۲۳ - وکلای عدلیه مکلفند همه ساله در ۳ دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخته خواهد شد ، پنج یک آن متعلق به کانون است.

ماده ۲۴ - کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله ندارند می توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط بر اینکه دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضاکننده باشد . طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضایی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد نمود.

فصل سوم

حقوق و وظائف

ماده ۲۵ - وکلا مکلفند نظاماتی را که وزارت عدلیه برای آن ها معین می نماید متابعت نمایند .

ماده ۲۶ - با احراز شرایط ذیل وکیل می تواند به درجه وکالت بالاتر نایل گردد. (به نظر می رسد به موجب ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).

۱ - اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.



۲- حسن انجام وظیفه در محاکم مربوطه و حسن انجام معاضدت هایی که به او رجوع شده.

۳- ترقی علمی و عملی در امر وکالت.

ترتیب ترفیع وکلارا وزارت عدلیه بر طبق نظامنامه تعیین خواهد نمود.

تبصره - محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا یک سال بر مدت مقرر در مورد یک این ماده می افزاید.

ماده ۲۷- به موجب لایحه قانونی اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۳۱/۱۰/۱۲ نسخ شده است).

ماده ۲۸- (اصلاحی مصوب ۱۳۴۶/۳/۲۹) در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنایی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنایی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاه های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد.

در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنایی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می داند حاضر می شود و به دادگاه های دیگر لایحه می فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می دارد.

جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آن که حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در این صورت یا به دادگاه



مذکور وکیل دیگری می فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی اخطاریه دادگاه جنایی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می کند و در صورت اخیر جلسه فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره ۱- وکیل باید دادگاه جنایی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه جنایی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه‌های مذکور بر حسب تقدّم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

تبصره ۲- عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می دهد.

تبصره ۳- هرگاه جلسه دادگاه جنایی یا هر دادگاه جزایی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الاً وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع می کند و دادگاه حکم خواهد داد.

ماده ۲۹- از وکلایی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی شود. هرگاه وکیل در یک



ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.

ماده ۳۰ - وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

ماده ۳۱ - وکلا باید وکالت انتخابی حقوقی و جزایی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع می شود قبول نمایند.

تبصره - مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزایی و از طرف کانون در امور حقوقی به آن ها ارجاع می شود.

ماده ۳۲ - وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالت نامه به دفتر محکمه تسلیم دارند قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل به وکیل می سپارد و همچنین قبوض وجوهی که وکیل دریافت می دارد مطابق نمونه ای است که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۳۳ - قرارداد حق الوکاله که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود باید به ترتیب تصاعد نسبت به مدعی به و نسبت به مراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود. **(به نظر می رسد قسمت اول ماده ۳۳ در مورد حق الوکاله به موجب ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳ منسوخه است).**



میزان خسارتی که محکوم‌لِهُ می تواند از محکوم‌علیه مطالبه نماید همچنین میزان مخارج مسافرت هایی که وکلای عدلیه برای امور وکالتی می نمایند نیز مطابق تعرفه ای است که وزارت عدلیه تنظیم می نماید.

ماده ۳۴ - دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنچ به بالا محکوم می شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود .

در صورتی که وکیل این عمل را به طور حيله انجام دهد مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد.

ماده ۳۵ - مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج تحقیقات و معاینه محلی و حق الزحمه مصدقین و خبره و حق الحکمیة و خرج تلگراف و پست و طبع اعلانات.

ماده ۳۶ - در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.

ماده ۳۷ - وکلا نباید بعد از استعفا از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص



ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این موارد بپذیرند.

ماده ۳۸ - وکلا نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور تطویل محاکمه به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند.

در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد.

ماده ۳۹ - وکیل حق ندارد دعاوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد.

ماده ۴۰ - وکلانی توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.

ماده ۴۱ - در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محروم خواهد شد و موکل می تواند خسارات وارده بر خود را از او مطالبه نماید.

ماده ۴۲ - وکلا باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوائح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری و نسبت به وکلا و اصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات انتظامی



از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد، مگر اینکه عمل مشمول یکی از عناوین جزایی باشد که در این صورت لااقل به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

ماده ۴۳ - وکلا باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است ثبت و ضبط نمایند، طرز تنظیم و نگاهداری آن را دفتر بازرسی و تشکیلات وکلا معین خواهد نمود و حفظ دفتر و ته چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.

ماده ۴۴ - وکلا باید پس از ابلاغ حکم یا قرار و یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتباً اطلاع دهند به طوری که تفویض حقی از او نشود.

ماده ۴۵ - وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می نمایند اعم از حقوقی و جزایی مخصوصاً در اقامه دعوی جزایی و دعاوی جعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند.

فصل چهارم

در تعقیب و مجازات انتظامی وکلا

ماده ۴۶ - مرجع تحقیق و رسیدگی مقدماتی نسبت به شکایات واصله از وکلا و تخلفات آنان دفتر بازرسی و تشکیلات وکلای عدلیه است و محاکمه انتظامی آنان در محکمه به عمل می آید مرکب از سه نفر عضو



که وزیر عدلیه از بین مأمورین قضایی یا اداری عدلیه یا وکلا و یا به طور مختلط تعیین می کند.

طرز تحقیق و رسیدگی مقدماتی و تجدید نظر و مواعد محاکمه انتظامی وکلا را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه تعیین خواهد نمود - پارکه انتظامی وکلا دفتر بازرس و تشکیلات وکلای عدلیه است. (به نظر می رسد به موجب مواد ۱۳ و ۱۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).

ماده ۴۷ - وزیر عدلیه می تواند پس از آنکه به وسیله دفتر بازرس و تشکیلات وکلای عدلیه یا به وسیله کانون وکلا و یا به وسایل دیگر از سوء اعمال و رفتار و تخلفات وکیلی مطلع شد امر به تعقیب انتظامی او بدهد و در موردی که اشتغال وکیل مزبور به وکالت تا تعیین تکلیف قطعی او منافی با حیثیت وکلا و یا موجب ضرر برخلاف حقی برای اشخاص باشد او را از شغل وکالت معلق دارد. (به نظر می رسد به موجب مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).

ماده ۴۸ - محکمه انتظامی وکلا مکلف است پس از وصول اولین ادعای انتظامی یا به تقاضای وزیر عدلیه علاوه بر رسیدگی انتظامی از جهت تخلف به صلاحیت اخلاقی و لیاقت علمی و عملی وکیل مورد تعقیب نیز رسیدگی نماید جز در مورد وکلایی که دارای مدارک علمی یا پروانه درجه اول هستند که در این صورت رسیدگی به لیاقت علمی آنها لازم نیست.



ماده ۴۹ - استرداد شکایت از وکیل و استعفای مشتکی عنه از شغل وکالت مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است.

ماده ۵۰ - در صورتی که حضور وکیل برای رسیدگی مقدماتی انتظامی و یا محاکمه انتظامی لازم و احضار شده و بدون عذر موجه حاضر نگردیده یا در موعد مناسبی که برای او معین شده جواب کتبی استیضاح را ندهد وزارت عدلیه می تواند او را موقتاً تا خاتمه رسیدگی از وکالت معلق نماید. (به نظر می رسد به موجب ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).

ماده ۵۱ - مجازات های انتظامی به قرار ذیل است:

۱ - توبیخ شفاهی ۲ - توبیخ کتبی با درج در پرونده ۳ - توبیخ با درج در مجله رسمی ۴ - ممنوعیت موقت از ۳ ماه الی یک دو سال ۵ - تنزل درجه ۶ - محرومیت دائم از شغل وکالت.

وزیر عدلیه می تواند در صورت احراز سوء اعمال و رفتار یا تخلفات وکیلی یکی از مجازات های انتظامی تا درجه ۴ را درباره او مستقلاً اعمال نماید و رأی وزیر در این موضوع قابل شکایت نیست - در صورتی که حکم مجازات از طرف محکمه صادر شود تا درجه ۳ نسبت به محکوم علیه قطعی است.

ماده ۵۲ - محکمه تجدید نظر تشکیل می شود از یک نفر از اعضای محکمه بدوی که به حکم قرعه انتخاب می شود و دو نفر از مستخدمین قضایی که همه ساله به طور ثابت از طرف وزارت عدلیه



معین می شود. (به نظر می رسد به موجب ماده ۱۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).

ماده ۵۳ - وزیر عدلیه می تواند در صورتی که رفتار وکیل می موجب اختلال مهمی در جریان امور قضایی حوزه معینی باشد او را مادام که موجبات اختلال باقی است از اشتغال به امر وکالت در آن حوزه ممنوع نماید. (به نظر می رسد به موجب ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ نسخ شده است).

ماده ۵۴ - مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی وکلا دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.

ماده ۵۵ - وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید مختلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

فصل پنجم

مقررات مختلفه

ماده ۵۶ - در صورت فوت و حجر وکیل مدعی العموم بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یا مأمور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق راجعه به آن ها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی



و در صورت استتکاف ورثه و یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی العموم یا قائم مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح اسناد را أخذ و به صاحبش رد می نماید و صورت مجلسی در هر دو باب تنظیم و امضا می نماید و رسید اوراق را گرفته به متصدی امور متوفی می دهد.

ماده ۵۷ - هر گاه محاکم و مدعیان عمومی در اجرای مواد این قانون بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده یا متوجه شوند و کیلی از عهده انجام وظیفه و کالتی بر نمی آید و همچنین هر گاه از سوء اخلاق و اعمال و کیلی مطلع گردند مکلفند بدون تأخیر مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند ، در صورت تخلف به مجازات انتظامی تا درجه ۴ محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸ - فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون وکالت مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می شود.

این قانون که مشتمل بر پنجاه و هشت ماده است در جلسه بیست و پنجم بهمن ماه یک هزار و سیصد و پانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری



مواد ۳۱ الی ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی



مواد ۳۱ الی ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی

باب دوم - وکالت در دعاوی

ماده ۳۱- هر یک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

ماده ۳۲- وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.

۲- دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.



تشخیص احراز شرایط یادشده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود.

ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.

ماده ۳۳- وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاه ها برای آنان مقرر گردیده است.

ماده ۳۴- وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیررسمی باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالت نامه های تنظیمی در ایران، وکیل می تواند ذیل وکالت نامه تأیید کند که وکالت نامه را موکل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است.

در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورت جلسه قید و به امضای موکل می رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رئیس زندان یا معاون وی باید امضاء یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

تبصره- در صورتی که موکل امضاء، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.



ماده ۳۵- وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالتنامه تصریح شود:

۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی.

۲- وکالت در مصالحه و سازش.

۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.

۴- وکالت در تعیین جاعل.

۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.

۶- وکالت در توکیل.

۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.

۸- وکالت در دعوای خسارت.

۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.

۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث.

۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث.

۱۲- وکالت در دعوای متقابل و دفاع در قبال آن.

۱۳- وکالت در ادعای اعسار.



۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

تبصره ۱- اشاره به شماره‌های یادشده در این ماده بدون ذکر موضوع آن، تصریح محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشند.

ماده ۳۶- وکیل در دادرسی، در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم‌بیه و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد.

ماده ۳۷- اگر موکل وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد. عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد.

ماده ۳۸- تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت، همچنین ابلاغ‌هایی که از طرف دادگاه به وکیل می‌شود مؤثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل، دیگر او را در امور راجع به دادرسی، وکیل نخواهد شناخت.

ماده ۳۹- در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می‌گردد.

وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفاء، مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل و



اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌شود، رفع نقص به عهده موکل است.

ماده ۴۰- در صورت فوت وکیل یا استعفا یا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وی چنانچه اخذ توضیحی لازم نباشد، دادرسی به تأخیر نمی‌افتد و در صورت نیاز به توضیح، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و با ذکر موارد توضیح به موکل اطلاع می‌دهد که شخصاً یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود.

ماده ۴۱- وکلا مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگر این‌که دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

- ۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم.
- ۲- ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت، مضر تشخیص داده شود.
- ۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد.
- ۴- وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود.

وکیل معذور موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذر او را موجه بداند، در غیر این صورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی



وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.

ماده ۴۲- در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضور او برابر قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد، حاضر شود و به دادگاه های دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری معرفی نماید.

ماده ۴۳- عزل یا استعفاء وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد، در غیر این صورت دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد.

ماده ۴۴- در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ یک از آنها به طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.



ماده ۴۵- وکیلی که در وکالت‌نامه حق اقدام یا حق تعیین وکیل مجاز در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور را داشته باشد، هرگاه پس از صدور رأی یا در موقع ابلاغ آن استعفاء و از رؤیت رأی امتناع نماید، باید دادگاه رأی را به موکل ابلاغ نماید در این صورت ابتدای مدت تجدیدنظر و فرجام، روز ابلاغ به وکیل یادشده محسوب است مگر این که موکل ثابت نماید از استعفاء وکیل بی اطلاع بوده در این صورت ابتدای مدت از روز اطلاع وی محسوب خواهد شد و چنانچه از جهت اقدام وکیل ضرر و زیانی به موکل وارد شود، وکیل مسئول می باشد. در خصوص این ماده، دادخواست تجدیدنظر و فرجام وکیل مستعفی قبول می شود و مدیر دفتر دادگاه مکلف است به طور کتبی به موکل اخطار نماید که شخصاً اقدام کرده یا وکیل جدید معرفی کند و یا اگر دادخواست ناقص باشد، نقص آن را برطرف نماید.

ماده ۴۶- ابلاغ دادنامه به وکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر را ندارد یا برای وکالت در آن دادگاه مجاز نباشد و وکیل در توکیل نیز نباشد، معتبر نخواهد بود.

ماده ۴۷- اگر وکیل بعد از ابلاغ رأی و قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر و فرجام خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد.

تبصره- در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان یافته و وکیل یادشده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد کلیه آرای صادره



باید به او ابلاغ شود و مبدأ مهلت‌ها و مواعد از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می‌گردد.

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷



قوانین

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون کانون های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مکلفند حداقل یک بار در سال نسبت به پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت از طریق آزمون با آگهی در جراید اقدام نموده و حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از برگزاری آزمون ضمن اعلام نتایج قطعی نسبت به صدور پروانه کارآموزی وکالت برای پذیرفته شدگان اقدام نمایند.

تبصره ۱- کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه مکلفند هر سال از طریق سازمان سنجش آموزش کشور نسبت به برگزاری آزمون پروانه وکالت اقدام نمایند. داوطلبانی که حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) امتیاز میانگین نمرات یک



درصد (۱٪) حائزان بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند، به عنوان پذیرفته شده، جهت طی مراحل مقتضی به مرجع صدور مجوز مربوط معرفی می‌گردند. نظارت بر اجرای این تبصره بر عهده قوه قضائیه است و قوه مزبور مکلف است در صورت استتکاف کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه از برگزاری آزمون، رأساً به برگزاری آن اقدام کند. استتکاف از اجرای این حکم جرم محسوب و مرتکب به مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. (اصلاحی ۲۴/۱۲/۱۴۰۰)

تبصره ۲- برای مشمولان بند «ج» ماده (۸۸) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نصاب مذکور در تبصره (۱) حداقل شصت درصد (۶۰٪) می‌باشد. (الحاقی ۲۴/۱۲/۱۴۰۰)

ماده ۲- برای اشخاصی پروانه کارآموزی وکالت صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل باشند :

الف - اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام.

ب - اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران ، ولایت فقیه، قانون اساسی.

ج - نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری.



د - نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه‌های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه‌هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می باشد.

ه - عدم وابستگی به رژیم منحوس پهلوی و تحکیم پایه های رژیم طاغوت.

و - عدم عضویت و هواداری از گروهک های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

ز - عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی.

تبصره ۱- کانون های وکلا مکلفند به منظور احراز شرایط فوق از مراجع ذی صلاح مربوطه استعلام نمایند و مراجع مزبور مکلفند حداکثر ظرف مدت ۲ ماه پاسخ لازم را اعلام نمایند.

تبصره ۲- برای اشخاصی که مطابق قانون از کارآموزی معاف هستند در صورتی پروانه وکالت صادر می شود که دارای شرایط این ماده باشند.

تبصره ۳- مدت کارآموزی اعضای هیأت علمی دانشکده های حقوق نصف مدت سایر کارآموزان خواهد بود.

تبصره ۴- اقلیت های مذهبی رسمی از دارا بودن شرایط مندرج در بند (الف) مستثنی می باشند.

تبصره ۵- اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی می باشد. هرگاه وکیلی فاقد یکی از شرایط این قانون تشخیص داده شود، کانون موظف است موضوع و دلایل آن را به دادگاه



انتظامی وکلا، اعلام و درخواست رسیدگی نماید. دادگاه مذکور پس از رسیدگی نسبت به تمدید یا عدم تمدید پروانه رأی مقتضی صادر می کند. پروانه این اشخاص تا صدور حکم قطعی معتبر خواهد بود مگر در مواردی که دادگاه با توجه به ضرورت حکم تعلیق صادر نماید.

ماده ۳- سی درصد (۳۰٪) سهمیه مورد نیاز کانون وکلای هر حوزه به ایثارگران (رزمندگانی که شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا در اسارت دشمن بوده اند و یا جانبازان ۲۵٪ و بالاتر و بستگان درجه اول شهدا و جانبازان (۵۰٪ به بالا) اختصاص می یابد که از بین ایثارگرانی که بیشترین نمره را آورده اند انتخاب خواهند شد.

تبصره - استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایثارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده اند نمی باشد.

ماده ۴- اعضای هیأت مدیره (اعم از اصلی و علی البدل) کانون وکلا از بین وکلای پایه یک هر حوزه که علاوه بر دارا بودن شرایط مندرج در بندهای (الف) تا (ز) ماده (۲) واجد شرایط زیر باشند، برای مدت دو سال انتخاب می گردند :

الف - داشتن حداقل ۳۵ سال سن.

ب - حداقل هشت سال سابقه وکالت یا چهار سال قضاوت به انضمام چهار سال وکالت داشته و از طرف دادگاه انتظامی صلاحیت قضایی آنها سلب نشده باشد.

ج - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر.

د - عدم اشتها به فساد اخلاق (سوء شهرت)



ه - عدم ارتکاب اعمال خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغل و کالت.

تبصره ۱- مرجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها، دادگاه عالی انتظامی قضات بوده که مکلف است ظرف حداکثر دو ماه ضمن استعلام سوابق از مراجع ذی ربط، صلاحیت آنان را بررسی و اعلام نظر کند و مراجع ذی صلاح قانونی که از نامزدها، سوابق یا اطلاعاتی دارند در صورت استعلام موظف به اعلام آن می باشند.

تبصره ۲- انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون به طور متوالی برای بیش از دو دوره ممنوع می باشد.

تبصره ۳- وزارت دادگستری موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون انتخابات کانون های وکلای دادگستری را براساس این قانون تجدید نماید.

ماده ۵- در صورت تخلف هر یک از اعضای هیأت مدیره کانون های وکلای دادگستری از مفاد این قانون به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دائم از عضویت در هیأت های مدیره کانون های وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۶- وکلانمی توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده اند دفتر وکالت تأسیس نمایند و همچنین نمی توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نمایند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم خواهد بود. به این تخلف در



دادسرا و دادگاه انتظامی کانون رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است.

در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر، کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت.

تبصره ۱- ادامه وکالت در پرونده هایی که قبل از تصویب این ماده مطرح گردیده و همچنین با اجازه کانون وکلای متبوع، وکالت از خویشاوندان تا درجه سوم از شمول این ماده مستثنی است. در صورتی که حوزه اخیر تابع کانون وکلای دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است.

تبصره ۲- محدوده حوزه هر کانون به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه مشخص خواهد شد.

تبصره ۳- کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رئیس کانون و رأی دادگاه انتظامی کانون پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد.

کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه وکالت حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدید نظر از احکام آنها دیوان عالی کشور می باشد را ندارند.

تبصره ۴- کسانی که دارای رتبه قضایی بوده اند به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نخواهند داشت. متخلف از این مقرره به ترتیب تکرار مستوجب مجازات های درجه ۳ الی ۶ خواهد بود.



ماده ۷- از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می گردد.

قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار ده تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۰۱/۱۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.



مواد ۳۴ الی ۴۹ نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۹/۳/۱۳۱۶ وزارت دادگستری



ماده ۳۴ - مؤسسه معاضدت قضایی در مرکز است و دارای شعب ذیل می باشد:

۱- دبیرخانه

۲- شعبه عرایض

۳- شعبه قضایی

ماده ۳۵ - کارکنان معاضدت قضایی باید حتی المقدور از بین وکلای عدلیه انتخاب شوند ممکن است برای آن ها حق الزحمه در بودجه کانون منظور شود.

ماده ۳۶ - تقاضای معاضدت به دبیرخانه مؤسسه مزبور داده می شود کسانی که دور از مرکز معاضدت قضایی هستند می توانند مستقیماً یا توسط کانون محل در صورتی که تشکیل شده باشد و یا به وسیله دفتر عدلیه اقامت خود را تقاضا نماید. در این صورت کانون یا دفتر عدلیه محل موظف است تقاضانامه را به انضمام مستندات و مدارکی که به موجب ماده (۳۷) این نظامات مقرر است در اسرع اوقات به دبیرخانه معاضدت قضائی ارسال دارند.

ماده ۳۷ - در صورتی که معاضدت قضایی لازم بداند که توضیحاتی از تقاضاکننده بخواهد مشارالیه به وسیله نامه یا اخطار احضار می شود



ولی هرگاه اقامتگاه متقاضی خارج از مرکز معاضدت قضایی باشد تحقیقات به وسیله یکی از وکلا یا دفتر عدلیه محل یا پارکه محل اقامت تقاضاکننده به عمل می آید.

۱- تصدیق از معتمدین یا کلانتری محل اقامت تقاضاکننده مبنی بر عدم قدرت او برای تأدیه حق الوکاله.

۲- رونوشت مدارک دعوی

ماده ۳۸ - معاضدت قضایی می توانند تحقیقاتی در دلائل دعوی بنمایند و هرگاه تشخیص دهند که مقصود تقاضاکننده سوء استفاده و شرخری است از تعیین وکیل خودداری و تقاضا را رد می نماید.

ماده ۳۹ - در صورت رد تقاضاکننده می تواند در ظرف ۱۰روز به هیأت مدیره کانون شکایت کند رأی هیأت مدیره قطعی است.

ماده ۴۰ - کلیه ارجاعاتی که از طرف معاضدت قضایی در حدود صلاحیت مؤسسه به وکلا یا دفاتر عدلیه یا پارکه می شود باید به اسرع وقت انجام گردد.

ماده ۴۱ - شعبه عرایض پس از وصول عرض حال به طریق ذیل اقدام خواهد نمود:

هرگاه عرض حال ناقص باشد نواقص آنرا به دفتر دستور خواهد داد و اگر عرض حال کامل باشد عقیده خود را در پیشرفت دعوی خواهد نوشت در صورتی که پیشرفت داشته باشد آن را به شعبه قضایی تسلیم خواهد نمود.

شعبه قضایی وکیلی را برای تقاضاکننده معین می نماید.



ماده ۴۲ - ابلاغات در ۳ نسخه صادر می‌شود.

نسخه اول به تقاضاکننده داده خواهد شد و نسخه ثانی در پرونده مربوطه بایگانی و نسخه ثالث برای ابلاغ به وکیل انتخابی به دفتر کانون ارسال خواهد شد.

ماده ۴۳ - وکیل منتخب مکلف است قرارداد حق‌الوکاله تنظیم نموده نسخه دوم آن را با رسید وکالتاً به دبیرخانه معاضدت قضایی بفرستند و پس از ختم دعوی در صورتی که موکل محکوم‌له واقع شود و خمس حق‌الوکاله را که در قرارداد تنظیمی مقرر است وصول و به صندوق کانون ایصال دارد مگر این که ثابت نماید در یافت حق‌الوکاله قانوناً غیرمقدور است.

ماده ۴۴ - وکیل انتخابی باید از جریان کار مرجوع شعبه قضایی را مطلع دارد.

ماده ۴۵ - وکیل انتخابی می‌تواند از شعبه قضایی مؤسسه راجع به طرز اقداماتی که لازم است مشورت کند.

ماده ۴۶ - در مواردی که انجام مقدمات و تشریفات مربوط به معاضدت قضایی موجب انقضاء موعده از تقاضاکننده بشود رئیس کانون می‌تواند مستقیماً وکیل انتخاب نماید مشروط بر اینکه تقاضانامه از حیث ضمائم کامل باشد.

ماده ۴۷ - قرارداد حق‌الوکاله معاضدتی به اسم معاضدت قضایی تنظیم می‌شود و مأمور وصول حق کانون محاسبات مؤسسه مزبور است.



ماده ۴۸ - نمونه اوراق تقاضانامه و سایر اوراق مربوط به امور معاضدت را هیأت مدیره کانون تعیین خواهد نمود.

ماده ۴۹ - دفتر معاضدت مکلف است اطلاعاتی که از طرف وکیل انتخابی واصل می شود به موکل ابلاغ نماید.



آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر و کلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ رئیس قوه قضائیه

در اجرای ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ و به پیشنهاد کانون وکلای دادگستری مرکز و مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران



خانواده قوه قضاییه «آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری به شرح مواد آتی است.

ماده ۱- اصطلاحات و اختصارات به کار رفته در این آیین‌نامه در معانی زیر به کار می‌رود:

الف - کانون: کانون وکلای دادگستری؛

ب - مرکز: مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه؛

پ - صندوق: صندوق حمایت وکلا؛

ت - قانون مالیات‌ها: قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی

ماده ۲- قرارداد حق الوکاله بین وکیل و موکل معتبر است. در صورتی که قراردادی در خصوص حق الوکاله در بین نباشد، تعیین حق الوکاله در مورد وکیل و موکل، محکوم علیه، مالیات و سهم کانون، صندوق و سهم مرکز بر اساس این تعرفه خواهد بود. چنانچه میزان حق الوکاله در قرارداد کمتر از تعرفه موضوع این آیین‌نامه باشد، در مورد محکوم علیه مبلغ کمتر ملاک است.

ماده ۳- وکیل مکلف است در فرم وکالت‌نامه مبلغ حق الوکاله را درج نماید و نباید از عباراتی مانند «طبق تعرفه» استفاده کند. در صورتی که حق الوکاله وجه نقد نباشد، وکیل موظف است ضمن درج اصل حق الوکاله، معادل ارزش ریالی آن را در وکالت‌نامه اظهار نماید. چنانچه در نتیجه توافق وکیل و موکل و حسب وکالت‌نامه، مبلغ حق الوکاله مازاد بر



تعرفه تعیین شده باشد. دادگاه نسبت به محکوم علیه تا حداکثر میزان تعرفه موضوع این آیین نامه رأی خواهد داد، اما مبلغ علی الحساب دریافتی از موکل مبنای ابطال تمبر علی الحساب مالیاتی موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌ها و سهم کانون، مرکز و صندوق می‌باشد.

ماده ۴- در صورتی که وکیل کسری تمبر مالیاتی داشته باشد دفتر شعبه مکلف به قبول وکالتنامه وی است و در اجرای ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ بدو جهت ابطال تمبر مالیاتی به وکیل اخطار صادر می‌گردد. تا زمان تکمیل تمبر مالیاتی، کلیه اخطاریه‌ها (به جز نقص تمبر مالیاتی) به موکل به عمل می‌آید.

ماده ۵- در صورتی که قراردادی در خصوص حق الوکاله در بین نباشد حق الوکاله وکلای متعدد به تساوی به آنان تعلق می‌گیرد مگر آنکه به نحو دیگری توافق شده باشد. همچنین هر یک از وکلا به نسبت سهم خود مکلف به ابطال تمبر مالیاتی، سهم کانون، مرکز و صندوق هستند، مگر آن که یکی از وکلا سهم دیگری را پرداخت نماید.

تبصره - در مواردی که چند وکیل در پرونده اعلام وکالت می‌نمایند و پروانه برخی از کانون و برخی از مرکز باشند، با توافق وکلا از فرم وکالتنامه کانون یا مرکز به عنوان وکالتنامه مشترک می‌توانند بهره ببرند و لوایح را نیز در سربرگ یکی از وکلا تقدیم نمایند، اما هر کدام از وکلا مکلفند، حقوق قانونی مربوط به سهم خود از حق الوکاله را حسب مورد به کانون، مرکز و صندوق حمایت پردازند.



ماده ۶- در صورت انتخاب وکیل جدید توسط موکل، اعم از آن که به نحو استقلال باشد و یا انضمام به وکیل سابق، وکیل جدید نیز مکلف به ابطال تمبر علی الحساب مالیاتی موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌ها و پرداخت سهم کانون، مرکز و صندوق می‌باشد.

تبصره - در اجرای تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌ها، چنانچه پس از ابطال تمبر تعقیب دعوا به وکیل دیگری توکیل شود، وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر بر روی وکالتنامه و پرداخت سهم کانون، مرکز و صندوق نمی‌باشد.

ماده ۷- در صورتی که وکیل به نحو تبرعی وکالت یکی از اقربای نسبی یا سببی خود تا درجه ۳ از طبقه ۳ را بر عهده بگیرد، از ابطال تمبر و پرداخت سهم کانون، مرکز و صندوق معاف است.

ماده ۸- تنظیم و ارائه وکالتنامه توسط وکیل تسخیری یا معاضدتی الزامی است؛ هر چند توسط مرجع قضایی و به نمایندگی از موکل امضاء شده باشد. حق الوکاله وکیل تسخیری یا معاضدتی دو برابر حداقل تعرفه موضوع این آیین‌نامه است و تا زمانی که وکیل حق الوکاله را دریافت نکرده باشند، نیازی به ابطال تمبر مالیاتی و پرداخت سهم کانون مرکز و صندوق نمی‌باشد.

ماده ۹- با لحاظ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، در دعاوی مالی در موردی که حکم دادگاه بدوی از حیث بهای خواسته قطعی است، میزان حق الوکاله ده درصد بهای خواسته است و در صورت قطعی نبودن حکم از حیث خواسته یا بهای آن، به ترتیب زیر تعیین می‌شود:



الف - تا مبلغ پانصد میلیون ریال: هشت درصد بهای خواسته.

ب- نسبت به مازاد بر مبلغ پانصد میلیون ریال تا دو میلیارد ریال: هفت درصد بهای خواسته.

پ - نسبت به مازاد بر مبلغ دو میلیارد ریال تا ده میلیارد ریال: پنج درصد بهای خواسته.

ت - نسبت به مازاد بر مبلغ ده میلیارد ریال تا سی میلیارد ریال؛ چهار درصد بهای خواسته.

ث - از مبلغ سی میلیارد ریال به بالا سه درصد بهای خواسته

تبصره - در صورتی که با لحاظ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ بهای خواسته در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد، پس از تعیین قطعی بهای خواسته وکیل مکلف به ابطال مابه التفاوت علی الحساب تمبر مالیاتی نسبت به بهای قطعی خواسته است. چنانچه پیش از تعیین قطعی بهای خواسته به هر دلیلی دعوا رد شود، مطابق بند «ب» ماده ۱۳ این آیین نامه رفتار خواهد شد.

ماده ۱۰- حق الوکاله طرح یا دفاع در مقابل دعاوی ورود، جلب و یا اعتراض ثالث و تقابل معادل حق الوکاله مرحله ای است که ثالث در آن مرحله وارد یا جلب شده یا به رأی صادره در آن مرحله اعتراض کرده و یا خوانده، دعاوی تقابل مطرح کرده است.

ماده ۱۱- حق الوکاله پرونده های منجر به صدور حکم غیابی و اعتراض به آن به میزان مقرر در ماده ۹ این آیین نامه است؛ اما چنانچه وکیل از



ابتدا وکالت داشته و به حکم غیابی اعتراض شود، از جهت تعقیب و دفاع از حکم غیابی در مرحله واخواهی، حق الوکاله دیگری به وکیل محکوم له حکم غیابی تعلق نمی‌گیرد.

ماده ۱۲ - در مواردی که دعوا به یکی از نتایج زیر منجر شود، حق الوکاله به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

الف- قرار ابطال دادخواست پیش از پاسخ به دعوا و دفاع از آن یک چهارم حق الوکاله مرحله نخستین

ب- قرار رد دادخواست پس از پاسخ به دعوا و دفاع از آن یک دوم حق الوکاله مرحله نخستین

پ- به قرار عدم استماع یا رد دعوا به عللی مانند مرور زمان و اعتبار امر مختوم و رد تقاضای اعاده دادرسی: تمام حق الوکاله ای که برای حکم مقرر است.

ت- قرار سقوط دعوای تجدیدنظر پیش از پاسخ به دعوا و دفاع از آن: یک چهارم حق الوکاله مرحله تجدیدنظر؛

ث- قرار سقوط دعوای تجدیدنظر پس از پاسخ به دعوا و دفاع از آن یک دوم حق الوکاله مرحله تجدید نظر

ج- حق الوکاله اعتراض به قرارهای حقوقی قابل اعتراض حداقل یک میلیون ریال و حداکثر یک صد میلیون ریال است.

تبصره - در صورت فسخ یا نقض قرارهای موضوع این ماده و اعاده پرونده جهت ادامه رسیدگی ماهوی، حق الوکاله آن مرحله به وکیل تعلق می‌گیرد.



ماده ۱۳ - حق الوکاله امور حسبی، دعاوی خانوادگی و غیرمالی به شرح زیر تعیین می شود:

الف - مطلق دعاوی خانوادگی یا دعاوی مالی ناشی از زوجیت و هم چنین امور حسبی: حداقل مبلغ پنج میلیون ریال و حداکثر مبلغ دوست میلیون ریال؛

ب- به دعاوی که خواسته آنها مالی نیست با تعیین بهای خواسته به موجب قانون لازم نیست؛ حداقل مبلغ چهار میلیون ریال و حداکثر مبلغ سیصد میلیون ریال.

ماده ۱۴ - حق الوکاله رسیدگی به دعاوی کیفری، به شرح زیر تعیین می شود:

الف - جرایم داخل در صلاحیت رسیدگی دادگاه های کیفری یک نظامی یک و دادگاه انقلاب:

۱- جرایم مستوجب مجازات های سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا حبس تعزیری درجه یک: حداقل مبلغ پنجاه میلیون ریال و حداکثر دو میلیارد ریال

۲- جرایم مستوجب مجازات های تعزیری درجه ۲ و ۳: حداقل مبلغ سی میلیون ریال و حداکثر یک میلیارد ریال

۳- دیگر جرایم: حداقل مبلغ ده میلیون ریال و حداکثر پانصد میلیون ریال

ب- جرایم داخل در صلاحیت رسیدگی دادگاه های کیفری دو و نظامی دو و اطفال و نوجوانان:



۱- جریمه مستوجب مجازات های حدود، دیات و تعزیری درجه ۴ و ۵: حداقل مبلغ ده میلیون ریال و حداکثر پانصد میلیون ریال؛

۲- جریمه مستوجب مجازات های تعزیری درجه ۶ حداقل مبلغ پنج میلیون ریال و حداکثر سیصد میلیون ریال؛

۳- دیگر جریمه: حداقل مبلغ دو میلیون ریال و حداکثر دویست میلیون ریال

پ- اعتراض به قرارهای قابل اعتراض دادسرا: حداقل یک میلیون ریال و حداکثر یک صد و پنجاه میلیون ریال

ت- فرجام خواهی کیفری، تقاضای اعاده دادرسی و تقاضای اعمال ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری: حداقل دو میلیون ریال و حداکثر دویست میلیون ریال؛

ث - دعاوی که فقط وکلای تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری می توانند در آنها قبول وکالت نمایند: حداقل پنجاه میلیون ریال و حداکثر پانصد میلیون ریال.

تبصره ۱- از حق الوکاله دعاوی کیفری موضوع این ماده پنجاه درصد مربوط به فرآیند تحقیق در دادسرا اعم از دادسرای عمومی و انقلاب، دادسرای نظامی و سایر دادسراها و سی درصد مربوط به دادگاه بدوی و بیست درصد مربوط به تجدیدنظرخواهی است، در مواردی که رسیدگی فاقد مرحله دادسرا است، حق الوکاله مرحله دادسرا به حق الوکاله مرحله بدوی افزوده می گردد و در مواردی که حکم بدوی



قطعی است حق الوکاله مرحله تجدیدنظر نیز در مرحله بدوی پرداخت می‌گردد.

تبصره ۲- در صورت قبول فرجام خواهی با اعاده دادرسی و نقض رأی سابق و عودت پرونده به مرجع سابق یا هم‌عرض در جهت رسیدگی و وکالت وکیل در مرحله جدید، حق الوکاله آن مرحله نیز اضافه خواهد شد.

تبصره ۳- در صورتی که پرونده دارای چند موضوع اتهامی باشد، ملاک تعرفه اتهامی است که دارای جرم اشد است و به ازای هر جرم اضافه تر ۲۰ درصد، همان حق الوکاله به تعرفه اضافه می‌گردد.

ماده ۱۵- حق الوکاله در شوراها حل اختلاف و محاکم دادگستری در مقام رسیدگی به اعتراض نسبت به آراء شوراها مذکور، حسب مورد به میزان حق الوکاله مرحله نخستین و تجدیدنظر دعاوی کیفری و امور و دعاوی حقوقی مربوط است.

ماده ۱۶- حق الوکاله در دیوان عالی کشور در دعاوی مالی و غیر مالی براساس تعرفه مرحله تجدیدنظر است.

ماده ۱۷- حق الوکاله اعتراض به آراء کیفری که مرجع رسیدگی به آن دیوان عالی کشور است. بر اساس تعرفه مرحله تجدیدنظر است.

ماده ۱۸- حق الوکاله وکیلی که پس از نقض رأی وکالت را بر عهده می‌گیرد، معادل یک دوم حق الوکاله پیش از نقض است.



ماده ۱۹ - تعرفه حق الوکاله در دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات و دادسرای دیوان عالی کشور و سایر دادسراها و دادگاه های انتظامی، حداکثر مبلغ بیست میلیون ریال است.

ماده ۲۰ - حق الوکاله در دیوان عدالت اداری و سازمان تعزیرات حکومتی، حداقل مبلغ چهار میلیون ریال و حداکثر مبلغ پانصد میلیون ریال است. حق الوکاله در مراجع غیر قضایی مانند هیأت های موضوع قانون کار مصوب ۱۳۶۹ حداقل مبلغ چهار میلیون ریال و حداکثر مبلغ دویست میلیون ریال است.

ماده ۲۱ - شصت درصد حق الوکاله موضوع مواد ۹ و ۱۳ و ۲۰ این آیین نامه به مرحله نخستین و چهل درصد به مرحله تجدیدنظر تعلق می گیرد.

ماده ۲۲ - حق الوکاله هر مرحله در ابتدای هر مرحله به وکیل پرداخت می شود؛ مگر این که به نحو دیگری توافق شده باشد.

تبصره - در صورتی که کانون یا مرکز گواهی وکالت تخصصی برای وکلای صادر کند، به حق الوکاله آنان در حدود صلاحیت تخصصی، ۱۰ درصد افزوده می گردد.

ماده ۲۳ - به منظور کاهش ورود پرونده به دستگاه قضایی و تشویق وکلای به سوق دادن پرونده به صلح و سازش و حل و فصل در خارج از دادگستری، حق الوکاله اموری که خارج از دادگستری است (مانند داوری) یا پس از طرح آن در دادگاه به خارج از دادگستری ارجاع و به صدور رأی منجر می شود و حق الوکاله دعاوی که در دادگاه یا خارج دادگاه به صلح ختم می شود و نیز در خصوص مطلق دعاوی خانواده در



مواردی که به صلح و سازش ختم شود، به میزان حق الوکاله کل دعوا است.

ماده ۲۴ - در صورت عزل، فوت یا حجر موکل یا استعفای وکیل یا انتفای موضوع وکالت به جهتی از جهات قانونی، چنان چه پرونده آماده صدور رای باشد. تمام حق الوکاله آن مرحله به وکیل تعلق خواهد گرفت. در غیر این صورت میزان حق الوکاله به تناسب کاری که وکیل در آن مرحله انجام داده است، حسب مورد به تشخیص کانون یا مرکز تعیین خواهد شد.

ماده ۲۵ - حق الوکاله امور اجرایی در اجرای احکام دادگستری (حقوقی) و ادارات اجرای اسناد رسمی و لازم الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، حداقل چهار میلیون ریال و حداکثر دو درصد مبلغ محکوم به یا مورد اجرا است و نسبت به دیگر موارد حداقل چهار میلیون ریال و حداکثر تا مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال است.

ماده ۲۶ - حق الزحمه ارائه خدمات حقوقی و مشاوره ای وکلای در صورتی که وکالتنامه ای تنظیم نشده و توافقی در بین نباشد، به شرح زیر است:

الف - اموری از قبیل تنظیم دادخواست، شکواییه، لایحه دفاعیه و اظهار نامه: حداکثر پنجاه میلیون ریال.

ب - مشاوره به ازای هر ساعت: حداقل پانصد هزار ریال و حداکثر پنج میلیون ریال



ت-حق الزحمه صرف مطالعه پرونده توسط وکیل، حداقل دو میلیون ریال و حداکثر پنجاه میلیون ریال است.

تبصره - وکلا مکلفند در اردیبهشت ماه هر سال در آمد سال شمسی سابق خود از محل این ماده و نیز اقساط موجل حق الوکاله که دریافت نموده‌اند را به کانون یا مرکز اعلام نموده و تمبر مالیاتی علی الحساب و حقوق قانونی آن را بپردازند و در صورتی که در آمدی نداشته‌اند صراحتاً به کانون اعلام نمایند.

ماده ۲۷ - تعرفه حق الوکاله دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، حسب مورد تابع مقررات این آیین‌نامه است.

ماده ۲۸ - حق الوکاله دیگر مواردی که در این آیین‌نامه تعیین تکلیف نشده است، حداقل مبلغ ده میلیون ریال و حداکثر مبلغ دویست و پنجاه میلیون ریال است.

ماده ۲۹ - وکلای دادگستری عضو کانونهای وکلا مکلفند معادل پنجاه درصد آن چه بابت مالیات طبق قانون مالیات‌ها تمبر به وکالتنامه الصاق می‌کنند، برای صندوق و یک چهارم تمبر را بابت هزینه کانون و وکلای دادگستری عضو مرکز مکلفند پنج درصد حق الوکاله بابت هزینه مرکز به امور مالی دادگستری پرداخت کنند. دادگستری مکلف است سهم صندوق و سهم کانون و سهم مرکز را از تمام وکلای کانون و مرکز در هر مورد قبول و در آخر هر ماه حسب مورد به کانون وکلای دادگستری مربوط و یا مرکز پرداخت کند.

ماده ۳۰ - هزینه مسافرت وکلا، چنانچه نسبت به آن توافق نشده باشد، اعم از هزینه ایاب و ذهاب و اقامت در داخل یا خارج از کشور و



... به عهده موکل بوده و علاوه بر هزینه‌های سفر و حق الوکاله ، فوق العاده مأموریت برای هر روز در صورتی که سفر در داخل استان و خارج از حوزه قضایی محل اشتغال وکیل باشد مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و در صورتی که سفر خارج از استان محل اشتغال وکیل باشد مبلغ سه میلیون ریال و در مسافرت‌های خارج از کشور هم طراز مدیران کل می‌باشد.

تبصره - با توجه به لزوم تمرکز فعالیت وکالتی در حوزه قضایی مندرج در پروانه، وکلایی که مبادرت به تمرکز فعالیت وکالتی در شهری غیر از محل مندرج در پروانه خویش نموده اند در پرونده های مرتبط با این تخلف، علاوه بر این که از سوی کانون یا مرکز تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت، حق دریافت هزینه سفر و فوق العاده مأموریت مندرج در این ماده را ندارند.

ماده ۳۱ - در صورتی که وکیل مبادرت به ابطال تمبر مالیاتی بنماید و سپس پرونده به نحوی مختومه گردد که متناسب با تمبر ابطال شده مستحق دریافت حق الوکاله نگردد، مدیر دفتر شعبه رسیدگی کننده مکلف است پس از تأیید قاضی شعبه گواهی ابطال تمبر مازاد با قید مبلغ مازاد را صادر نماید و وکیل می‌تواند این گواهی را به همان میزان در پرونده‌های دیگر خود به عنوان تمبر مالیاتی ابطال شده و سهم کانون، مرکز و صندوق استفاده نماید و در صورت عدم استفاده، آن را به اداره مالیاتی ارائه نماید تا از میزان تمبرهای مالیاتی وی کسر شود.

ماده ۳۲ - در مواردی که پرونده دارای وکیل باشد و به دلیل فوت یا حجر موکل، رسیدگی تا تعیین وراثت، قیم یا قائم مقام قانونی متوقف



گردد، قبول وکالت از وراث، قیم یا قائم مقام قانونی نیاز به ابطال تمبر مالیاتی مجدد و پرداخت سهم کانون و صندوق و مرکز ندارد.

ماده ۳۳ - در صورتی که موکل وزارتخانه، مؤسسه دولتی، شرکت دولتی، شهرداری و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری ها باشد وکیل مکلف به ابطال تمبر مالیاتی نیست و موکل مکلف است وفق تبصره ۲ ماده ۱۰۳ قانون مالیات ها رفتار نماید. وکیل مکلف است حقوق قانونی کانون مرکز با صندوق را بپردازد و فیش واریزی یا رسید آن را ضمیمه وکالتنامه بنماید.

ماده ۳۴ - با توجه به مقررات جدید مالیاتی و شفافیت ناشی از اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱، قضات عضو هیات‌های حل اختلاف مالیاتی با رعایت مقررات این تعرفه، درآمد سالیانه وکلای را صرفاً بر اساس بیست برابر میزان تمبر ابطال شده محاسبه می‌نمایند و مالیات مقطوع را بر اساس آن مورد حکم قرار می‌دهند. مراجع قضایی و دیوان عدالت اداری در خصوص پرونده های اعتراضی مالیاتی این مقرره را در بررسی پرونده و صدور حکم لحاظ می‌نمایند.

این آیین‌نامه مشتمل بر ۳۴ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و از تاریخ تصویب کلیه آیین‌نامه‌های سابق در خصوص حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری ملغی است.

سید ابراهیم رئیسی





لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵

ماده ۱

کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود.



در نقاطی که قانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلا به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود.

کانون وکلا از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:

الف - هیأت عمومی

ب - هیأت مدیره

ج - دادسرای انتظامی وکلا

د - دادگاه انتظامی وکلا

ماده ۲

کانون وکلا هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلا مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاه‌های استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیأت مدیره عهده‌دار امور مربوط به کانون بوده و رئیس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.

ماده ۳



هیأت عمومی کانون وکلای هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضای هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف - وکلا پایه یک و دو دادگستری مشروط بر این که:

۱. محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند

۲. در حال تعلیق از وکالت نباشند

ماده ۴

اعضای هیأت مدیره کانون وکلا از بین وکلا پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند (با توجه به ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ منسوخه است)

الف - لااقل ۳۵ سال داشته باشند.

ب - لیسانسیه حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آن که پنج سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد.

ج - وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس می‌باشند در صورتی می‌توانند انتخاب شوند که دارای مدت ۲۰ سال سابقه وکالت و یا بیست سال سابقه وکالت و قضاوت باشند به شرط آن که پنج سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند.



د - محکومیت انتظامی بالاتر از درجه ۴ نداشته باشند.

ه - سوء شهرت نداشته باشند.

تبصره - رئیس و اعضاء هیأت مدیره کانون وکلا، رؤساء و اعضای دادگاه‌های انتظامی وکلا و دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی وکلا نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آن را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره و دادگاه و دادرسی‌های انتظامی وکلا محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند رأی دادگاه قطعی است.

ماده ۵

هیأت مدیره کانون وکلا مرکز از بین اعضای خود یک نفر رئیس و دو نفر نایب‌رئیس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک‌سال انتخاب می‌نماید و در سایر حوزه‌ها هیأت مدیره مرکب از یک رئیس و یک نایب‌رئیس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.

ماده ۶

وظایف کانون وکلا به قرار زیر است:

الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.

ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا و کارگشایان.



ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و کارگشایان دادگستری به وسیله دادرسی و دادگاه انتظامی وکلا.

د - معاضدت قضایی.

ه - فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا.

ماده ۷

از تاریخ اجرای این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می‌شود که از دانش‌کده‌های حقوق داخله و یا خارجه دارای دانش‌نامه لیسانس باشند. اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند پس از اختبار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می‌شود.

ماده ۸ (اصلاحی ۱۳۷۳)

به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلا داده می‌شود:

الف - به کسانی که دارای ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشد و سلب صلاحیت قضایی از آن‌ها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد.



ب - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آن ها نشده باشد.

ج - نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای لیسانس قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کار قضایی در محاکم باشند.

د - کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم با حداقل ۵ سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمت‌های حقوقی در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی.

تبصره ۱ - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و دو سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند. ولی در این مورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲ - کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید.

ماده ۹

کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل دادگستری شناخته می‌شود.



ماده ۱۰

به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱. اتباع خارجه

۲. قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه

۳. مجبورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد

۴. محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی

۵. اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت

۶. محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آن که به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعیست

۷. کسانی که به اتهام جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند

۸. اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند

ماده ۱۱



وکلائی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه و کالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌گردد اخذ نمایند.

در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رئیس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم‌مقام آن‌ها برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رئیس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان برسد.

تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوائر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۲

در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرس یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.

ماده ۱۳

دادسرای انتظامی وکلا مرجع رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. دادسرای انتظامی وکلا پس از رسیدگی



به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه‌های انتظامی وکلا خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی وکلا قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۱۴

رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلا است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلا پایه ۱ انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی انتظامی وکلا و رئیس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۵



در صورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رئیس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادرای انتظامی وکلا اطلاع دهند در صورتی که دادرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادرای انتظامی وکلا تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.

ماده ۱۶

هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدید نظر کند.

ماده ۱۷

از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلّق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.

ماده ۱۸

در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیأت مدیره کانون وکلا به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی



نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست شش نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رئیس کانون وکلا حق تقاضای تجدید نظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۹

میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد.

ماده ۲۰

هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه محکوم خواهد گردید.

ماده ۲۱

در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلا



تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می‌نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.

ماده ۲۲

کانون وکلا با رعایت مقررات این قانون آیین‌نامه‌های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آن‌ها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می‌نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجراء گذاشته می‌شود.

ماده ۲۳

برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادرسی انتظامی وکلا تهران موظف است از تاریخ تصویب این قانون در مدت شش ماه سوابق کلیه وکلای دادگستری مرکز و در مدت یک سال به سوابق وکلای دادگستری خارج از مرکز رسیدگی کرده و کسانی را که تشخیص دهد صلاحیت تصدی شغل وکالت را ندارند پرونده آنان را به دادگاه انتظامی وکلا برای رسیدگی بفرستد و دادگاه مزبور باید از تاریخ وصول هر پرونده به دادگاه حداکثر در مدت دو ماه رسیدگی کرده در صورتی که تشخیص دهد که وکیل صلاحیت ادامه اشتغال به وکالت را ندارد از او سلب صلاحیت نماید. از حکم دادگاه انتظامی وکلا وزیر دادگستری و



دادستان انتظامی وکلا و وکیل محکوم می‌توانند تجدید نظر بخواهند. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات است که رأی آن قطعی خواهد بود.

ماده ۲۴

لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین و مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ می‌شود.

ماده ۲۵

وزارت دادگستری می‌تواند با تصویب شورای عالی قضایی وکلا پایه یک دادگستری را برای خدمات قضایی انتخاب و تعیین نماید و در این صورت سنین وکالت درجه یک در حکم سابقه قضایی منظور و بر طبق آن رتبه قضایی شخصی که انتخاب می‌شود معین خواهد شد.

ماده ۲۶

وزارت دادگستری مأمور اجراء این قانون است.



آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استعلال کانون وکلای داد کستری مصوب ۱۴۰۰/۴/۲ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات ۱۴۰۲/۴/۱۱



در اجرای سیاست‌های کلی امنیت قضایی مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی، و بنا به پیشنهاد کانون وکلای دادگستری "آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری" به شرح مواد آتی است:

بخش اول - کلیات:

ماده ۱- اختصارات و عبارات زیر در این آیین‌نامه در معانی زیر به کار می‌رود:

۱- کانون: کانون وکلای دادگستری

۲- لایحه استقلال: لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی



۳- قانون کیفیت اخذ پروانه: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶

۴- دادگاه عالی: دادگاه عالی انتظامی قضات

۵- دادگاه انتظامی: دادگاه انتظامی کانون وکلا

۶- دادرسی انتظامی: دادرسی انتظامی کانون وکلا

۷- هیأت نظارت: هیأت نظارت بر انتخابات هیأت‌مدیره

ماده ۲ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) - کانون مؤسسه خصوصی حرفه ای عهده دار خدمت عمومی و دارای شخصیت حقوقی و مستقل است که به منظور ساماندهی امور وکلای دادگستری عضو کانون در هر استان تشکیل می‌شود و متشکل از وکلای دارای پروانه فعالیت در همان استان است.

ماده ۳- وکیل دادگستری با رعایت قوانین و مقررات این آیین‌نامه، با ارائه وکالت‌نامه، مجاز به وکالت و انجام سایر امور قابل توکیل در مراجع قضایی، شبه قضایی، نهادهای داوری و مراجع دولتی و غیر دولتی است. همچنین، وکیل حق ارائه مشاوره حقوقی به اشخاص را دارد.

ماده ۴- هر شخص حق دارد برای اقامه دعوی و دفاع رأساً اقدام یا از وکیل استفاده کند و از بدو تا ختم فرآیند دادرسی در کلیه مراجع قضایی، شبه قضایی و نهادهای داوری، از کمک و مشاوره وکیل برخوردار شود.



ماده ۵- کلیه مراجع قضایی با رعایت قانون مکلف به پذیرش وکیل هستند. سلب حق دسترسی به وکیل یا تحمیل وکیل یا تحدید حق آزادی انتخاب وکیل، به کلی ممنوع است.

ماده ۶- وکیل در مقام دفاع از احترامات و تأمینات شغل قضاء برخوردار است. کلیه مقامات قضایی، کارکنان اداری و ضابطان، در برخورد با وکلای دادگستری موظفند ضمن حفظ کرامت آنان، بر مبنای اصول و موازین اخلاقی، شرعی، قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند.

ماده ۷- وکیل در مقام دفاع، استقلال دارد و باید بتواند به صورت حرفه‌ای و آزادانه از موکل خود دفاع کند و هیچ مرجعی نمی‌تواند این استقلال را نقض نماید.

ماده ۸- وکیل حق دارد با رعایت مقررات قانونی، به اسناد و مدارکی که برای دفاع از موکل لازم است، دسترسی داشته باشد.

ماده ۹- روابط کاری وکیل با موکل و مشاوره وی به موکل خود در محدوده ارتباط حرفه‌ای آنها محرمانه است، به جز در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۱۰- بهره‌مندی وکلا از برنامه‌های آموزشی از جمله آموزش‌های مربوط به اصول حرفه‌ای وکالت و دانش و مهارت‌های عمومی مرتبط با آن، حق آنهاست و کانون ضمن برنامه‌ریزی تدابیر لازم را در این زمینه اتخاذ خواهد کرد.

بخش دوم - انتخاب هیأت‌مدیره:



ماده ۱۱- اعضای هیأت‌مدیره از طریق انتخابات تعیین خواهند شد. جهت نظارت بر انتخابات هیأت‌مدیره، هیأت نظارت با عضویت رئیس کانون به‌عنوان رئیس هیأت نظارت و چهار عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود. هیأت‌مدیره کانون، پنج ماه پیش از پایان هر دوره، اعضای اصلی و علی‌البدل را با رأی مخفی از بین وکلای پایه یک دارای حداقل چهار سال سن و ده سال سابقه وکالت که حق حضور در هیأت عمومی را داشته و خارج از هیأت‌مدیره فعلی بوده و داوطلب عضویت در هیأت‌مدیره آن دوره نباشند، انتخاب می‌کند. در صورت عدم حضور یا عذر هریک از اعضای اصلی عضو علی‌البدل جایگزین آن خواهد شد.

تبصره ۱- در صورتی که رئیس کانون داوطلب عضویت در هیأت‌مدیره بعد باشد، رئیس هیأت نظارت را نیز هیأت‌مدیره با لحاظ شرایط فوق تعیین خواهد کرد.

تبصره ۲- در این ماده و همچنین در هر موردی که در این آیین‌نامه احراز سمت یا انجام اقدامی منوط به سابقه وکالت باشد، سابقه قضایی به‌عنوان سابقه وکالت پایه یک محاسبه می‌شود، مگر این که در قانون به نحو دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲- صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به‌موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند، ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیأت نظارت، از طرف کانون به هیأت‌مدیره مزبور داده می‌شود. هیأت نظارت حداکثر یک هفته پس از انتخاب شدن، تشکیل جلسه می‌دهد و اطلاعیه ثبت‌نام از داوطلبان عضویت در هیأت‌مدیره را در پایگاه



اطلاع‌رسانی کانون و عنداللزوم با استفاده از سایر روش‌های اطلاع‌رسانی منتشر می‌کند و داوطلبان مقیم استان مقرر کانون ظرف دو هفته بعد از درج اطلاعیه، در محل تعیین شده توسط هیأت نظارت ثبت‌نام می‌کنند.

ماده ۱۳- هیأت نظارت ظرف ده روز پس از اتمام مهلت ثبت‌نام، وجود شرایط قانونی موضوع مواد ۲ و ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه در داوطلبان را بررسی و اسامی واجدان شرایط را به همراه کلیه مستندات به دادگاه عالی ارسال می‌کند. در مورد داوطلبانی که وجود شرایط قانونی در مورد آنان احراز نگردیده است، علت عدم احراز شرایط به آنان ابلاغ می‌شود. افراد اخیر می‌توانند ظرف پنج روز پس از ابلاغ، از تصمیم هیأت نظارت به دادگاه عالی شکایت کنند. شعبه رسیدگی‌کننده، در صورت نقض تصمیم هیأت نظارت، هم‌زمان با سایر داوطلبان در مورد صلاحیت این عده نیز اعلام نظر خواهد کرد.

ماده ۱۴ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) دادگاه عالی حداکثر ظرف مدت دو ماه از زمان دریافت اسامی داوطلبان از هیأت نظارت، در مورد احراز یا عدم احراز صلاحیت داوطلبان اظهار نظر می‌نماید. چنانچه از نظر دادگاه عالی، صلاحیت داوطلب مورد تردید باشد، عندالاقضاء وی را دعوت و پس از استماع دفاعیات او در جلسه حضوری براساس قوانین و مقررات اتخاذ تصمیم می‌کند عدم اعلام نظر دادگاه عالی ظرف مدت مقرر به منزله تأیید داوطلبانی است که از سوی هیأت نظارت واجد شرایط اعلام شده‌اند. در صورتی که حداکثر تا یک ماه پیش از برگزاری انتخابات اطلاعات مدارک و یا مستندات جدیدی به دست آید که در تصمیم قبلی این دادگاه مؤثر باشد دادگاه مذکور می‌تواند براساس



مدارک و مستندات جدید التحصیل در مورد رد یا تأیید صلاحیت داوطلبان اظهار نظر کند.

تبصره (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) دادگاه عالی در مقام رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، سوابق آنان را از مراجع ذی ربط از قبیل وزارت اطلاعات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، اداره کل سجل کیفری و نیز دادسرای انتظامی قضات استعلام می کند. بدیهی است عدم ارسال پاسخ از سوی مراجع مذکور در مهلت تعیین شده توسط دادگاه عالی، مانع از تصمیم گیری دادگاه مذکور نیست.

ماده ۱۵- هیأت نظارت ظرف پنج روز از تاریخ دریافت اسامی واجدان شرایط از دادگاه عالی، زمان و مکان تشکیل هیأت عمومی برای انتخاب هیأت مدیره را تعیین و در پایگاه اطلاع رسانی کانون و عنداللزوم استفاده از سایر روش های اطلاع رسانی، منتشر می کند. فاصله بین آگهی مندرج در پایگاه اطلاع رسانی کانون و روز جلسه نباید کمتر از بیست روز باشد.

ماده ۱۶ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) چنانچه روز جلسه مصادف با تعطیلی باشد ضمن اطلاع رسانی جلسه روز بعد تشکیل می شود. در صورتی که مطابق نظر هیأت نظارت برگزاری انتخابات در مهلت مقرر به دلیل شرایط خاص مقدور نباشد تا رفع حالت اضطرار، هیأت مدیره به فعالیت خود ادامه می دهد و صرفاً در مورد مسائل ضروری کانون تصمیم گیری می کند. بعد از مرتفع شدن حالت اضطرار حداکثر ظرف یک هفته فرآیند برگزاری انتخابات ادامه می یابد.



ماده ۱۷- در زمان و مکان مقرر، جلسه هیأت عمومی با حضور هر عده که حاضر باشند، تشکیل و بدو هیأت نظارت صندوق اخذ آراء را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضران ارائه داده، لاک و مهر می‌کند و سپس رأی‌گیری شروع می‌شود. از بیست و چهار ساعت قبل از شروع جلسه هیأت عمومی، هرگونه تبلیغ و به هر طریق در موافقت یا مخالفت اشخاص در مکان رأی‌گیری و خارج از آن به کلی ممنوع است.

تبصره- در صورت فراهم بودن امکانات فنی، به تشخیص هیأت نظارت، برگزاری تمام یا بخشی از انتخابات از جمله تشکیل جلسه هیأت عمومی و رأی‌گیری و شمارش آراء، به صورت الکترونیکی و یا برخط مجاز است.

ماده ۱۸- انتخاب جمعی و مخفی است و رأی باید روی اوراقی که به مهر هیأت نظارت رسیده و در آن به تعداد اعضای اصلی ردیف شماره‌دار پیش بینی شده، نوشته شود. هر رأی‌دهنده، پس از ارائه پروانه وکالت خود و امضاء در فهرست اسامی واجدین شرایط، رأی خود را در صندوق آرا می‌اندازد.

ماده ۱۹- حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رأی ندهند، ساقط است.

ماده ۲۰- پس از اتمام اخذ آراء، اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آراء می‌شود و در غیر این صورت، هیأت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می‌نماید و بر هر ورقه که قرائت شده مهر «قرائت شد» زده و ضبط خواهد شد.



ماده ۲۱- آرائی که دارای نشان یا امضاء باشد، باطل است و اسامی مکرر حساب نمی‌شود و اسامی زائد بر عده‌ای که باید انتخاب شوند، قرائت نخواهد شد.

ماده ۲۲- آراء قرائت شده پس از قرائت، در صندوق ضبط و از طرف هیأت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضاء مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت، محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد امحاء خواهد شد.

ماده ۲۳- از بین منتخبان کسانی که دارای رأی بیشتر هستند، عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضاء اصلی بیش از سایرین دارای رأی می‌باشند، عضو علی‌البدل هستند.

تبصره- در صورت تساوی آراء، هیأت نظارت عضو اصلی یا علی‌البدل را به قید قرعه انتخاب می‌کند.

ماده ۲۴- مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز پس از اعلام نتایج و انتشار اسامی و تعداد آرای منتخبان در پایگاه اطلاع‌رسانی کانون است. مرجع رسیدگی به شکایات هیأت نظارت است.

هیأت نظارت باید ظرف سه روز به شکایات واصله رسیدگی و نتیجه را در پایگاه اطلاع‌رسانی کانون اعلام نماید.

ماده ۲۵- هر کس که به تصمیم هیأت نظارت معترض است، می‌تواند به‌وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی شکایت نماید. مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیأت نظارت است و دادگاه مزبور ظرف



ده روز از تاریخ وصول شکایت، رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.

ماده ۲۶- پس از اتمام انتخابات و تعیین نتیجه قطعی، رئیس هیأت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنان را برای تشکیل هیأت مدیره قبل از تاریخ هفتم اسفندماه دعوت می‌نماید و پس از آن هیأت نظارت منحل می‌شود.

ماده ۲۷- در صورت ابطال انتخابات، تجدید آن بر طبق مقررات فوق خواهد بود؛ در این صورت، تا تعیین هیأت مدیره جدید، هیأت مدیره و هیأت نظارت سابق به جز کسانی که به تشخیص دادگاه عالی تخلف آنان در ابطال انتخابات مؤثر بوده است، انجام وظیفه خواهد نمود. هیأت نظارت باید حداکثر ظرف یک هفته پس از ابلاغ ابطال انتخابات، اقدامات قانونی را جهت برگزاری انتخابات مجدد انجام دهد. چنانچه دلیل ابطال انتخابات بر اساس حکم دادگاه عالی، تخلف هیأت نظارت باشد، هیأت مدیره ظرف یک هفته هیأت نظارت جدید را بر اساس مقررات این آیین‌نامه انتخاب می‌کند. در هر حال کلیه کسانی که تخلف آن‌ها در ابطال انتخابات مؤثر بوده است، به موجب مقررات این آیین‌نامه مورد تعقیب انتظامی قرار می‌گیرند.

بخش سوم- انتخابات هیأت رئیسه کانون و وظایف آن:

ماده ۲۸- جلسه هیأت مدیره منتخب برای انتخاب هیأت رئیسه با حضور اعضای اصلی و به ریاست مسن‌ترین عضو تشکیل می‌شود و جوان‌ترین عضو نیز دبیر (منشی) جلسه خواهد بود. در صورت غیبت



یک یا چند نفر از اعضای اصلی در نخستین جلسه، ظرف حداکثر پنج روز، جلسه بعد با حضور اکثریت اعضای اصلی تشکیل خواهد شد.

ماده ۲۹- هیأت مدیره در کانون مرکز (تهران)، از میان خود یک نفر رئیس، دو نفر نایب رئیس، دو منشی و دو بازرس و در دیگر کانون‌ها یک رئیس، یک نایب رئیس، یک منشی و یک بازرس با رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌کند.

ماده ۳۰- انتخاب هیأت رئیسه، به ترتیب رئیس، نائب رئیس، بازرس و منشی، به‌طور متوالی، فردی و مخفی به عمل می‌آید. رئیس هیأت مدیره در کانون مرکز (تهران) باید لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون‌ها دارای چهار رأی باشد. اگر در دفعه اول اکثریت مذکور به دست نیامد، در دفعه دوم، که می‌تواند در همان جلسه باشد، اکثریت نسبی ملاک خواهد بود.

تبصره - در صورت تساوی آراء در نوبت دوم، فردی انتخاب می‌شود که در هیأت عمومی رأی بیشتری را به دست آورده باشد.

ماده ۳۱- وظایف و اختیارات رئیس کانون عبارت است از:

۱- بیان مواضع و نمایندگی قانونی کانون در مراجع رسمی؛

۲- مسئولیت انجام امور، فعالیت‌ها، اعمال اداری، مالی و حقوقی کانون؛



۳- حل اختلاف وکلا و کارآموزان با یکدیگر در امور وکالتی، نظارت بر اعمال و رفتار آنان، تذکر کتبی خطا یا انحرافات شغلی آنان و ارجاع تعقیب انتظامی وکیل متخلف به دادسرای انتظامی؛

۴- ارجاع گزارش‌ها و شکایت‌ها به مراجع انتظامی کانون؛

۵- دعوت هیأت عمومی وکلا، دعوت هیأت مدیره، ریاست جلسه، حضور در تمامی جلسات هیأت مدیره، تعیین دستور جلسه، اجرای تصمیمات هیأت مدیره و گزارش فعالیت‌ها و اقدامات به هیأت مدیره؛

۶- ریاست مستقیم بر دوایر داخلی و کارکنان کانون و عزل و نصب، استخدام و اخراج آنان مطابق مقررات؛

۷- سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون یا این آیین‌نامه بر عهده رئیس کانون گذاشته شده یا می‌شود.

تبصره ۱- سقف اختیارات مالی رئیس کانون، در ابتدای هر سال در چارچوب قوانین و مقررات مربوط به تصویب هیأت مدیره می‌رسد و در هر صورت از معادل نصف حد نصاب مقرر در معاملات متوسط موضوع قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۳/۱۱ و اصلاحات بعدی آن، بیشتر نخواهد بود. در مورد معاملات بیشتر از نصاب مذکور، هر معامله باید به تصویب هیأت مدیره برسد. هیأت مدیره کانون در پایان هر سال گزارش درآمد و هزینه‌ها را به تفصیل از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی کانون منتشر می‌کند.



تبصره ۲- تقسیم کار و وظایف بین اعضای هیأت رئیسه، در آیین نامه داخلی قانون تعیین خواهد شد.

ماده ۳۲- در غیاب یا معذوریت رئیس قانون، نایب رئیس، اداره جلسات را به عهده داشته و همچنین هر مسئولیتی را که از سوی رئیس قانون ارجاع شود، می پذیرد. چنانچه به هر دلیلی جایگاه رئیس قانون بلا تصدی باقی بماند، تا تعیین رئیس جدید که حداکثر ظرف یک ماه باید انجام شود، نایب رئیس، وظایف و اختیارات رئیس را به عهده خواهد داشت.

ماده ۳۳- وکلانمی توانند به طور همزمان دو سمت از سمت های زیر را داشته باشند:

عضویت اصلی در هیأت مدیره، دادسرا و دادگاه انتظامی، کمیسیون های کارآموزی و ترفیعات و اداره معاضدت.

ماده ۳۴- جلسات هیأت مدیره با حضور اعضای اصلی تشکیل می شود. در قانون مرکز (تهران) حضور هشت عضو اصلی و در سایر قانون ها سه عضو اصلی برای رسمیت الزامی است. مصوبات هیأت مدیره در قانون مرکز (تهران) با اکثریت مطلق آرای اعضای اصلی حاضر در جلسه و در سایر قانون ها با حداقل سه رأی اعضای اصلی معتبر است. در صورت تساوی آراء، رأی گروهی که مشتمل بر رأی رئیس جلسه باشد، معتبر خواهد بود.

ماده ۳۵- در طول دوره فعالیت هیأت مدیره، تجدید انتخاب اعضای هیأت رئیسه (فردی یا جمعی) هر چند نوبت جایز است. تصمیم به



تجدید انتخاب، نیاز به رأی دوسوم اعضای اصلی هیأت مدیره دارد. انتخابات میان دوره مطابق نصاب ماده ۳۰ این آیین نامه انجام می شود.

ماده ۳۶- در صورتی که یکی از اعضای اصلی هیأت مدیره، بدون عذر موجه پنج جلسه متوالی یا ده جلسه متناوب در جلسات عادی هیأت مدیره غیبت کند یا در صورت فوت، استعفا، انتقال، بازنشستگی و نظایر آن، یکی از اعضای علی البدل که رأی او بیشتر است، به عنوان عضو اصلی جایگزین می شود.

عضو جایگزین مشمول ممنوعیت انتخاب بیش از دو دوره متوالی است.

تبصره ۱- منظور از عذر موجه در این ماده و سایر موارد مقرر در این آیین نامه مصدق مذکور در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹ است.

تبصره ۲- تشخیص معاذیر و موانع مقرر در این ماده بر عهده هیأت مدیره است.

بخش چهارم- آزمون ورودی، پروانه وکالت و کارآموزی:

ماده ۳۷- پذیرش کارآموز وکالت با رعایت مقررات قانونی و با احراز صلاحیت های لازم به صورت رقابتی و سالانه مطابق ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه صورت می گیرد؛ پذیرش برای هر کانون با توجه به شاخص هایی از قبیل جمعیت استان، سرانه پرونده، تشکیلات قضایی، تعداد پرونده های دارای وکیل و تعداد وکلا و کارآموزان آن استان تعیین می شود.



ماده ۳۸- آزمون ورودی در هر سال به صورت همزمان در کلیه کانون‌های سراسر کشور از طریق سازمان سنجش و آموزش کشور برگزار می‌شود. چگونگی برگزاری آزمون ورودی، شرایط داوطلبان و مدارک مورد نیاز، زمان و مدت ثبت نام در آگهی مربوط که از طریق پایگاه اطلاع رسانی کانون‌ها منتشر می‌شود، به اطلاع متقاضیان می‌رسد. در آگهی آزمون، شرایط و موانع مقرر در قانون از جمله شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه و موانع مذکور ماده ۱۰ لایحه استقلال، باید تصریح شود. چنانچه در هر مرحله پس از قبولی فقدان هر یک از شرایط مقرر احراز شود، قبولی متقاضی کأن لم یکن تلقی شده و در صورت صدور پروانه کارآموزی، به حکم دادگاه انتظامی پروانه وی ابطال می‌شود.

ماده ۳۹- متقاضیان باید کانون مورد نظر خود را در آزمون تعیین کنند و در صورت پذیرش، بر اساس نمره اکتسابی صرفاً در یکی از شهرهای استان همان کانون، کارآموزی کرده سپس به وکالت مشغول شوند.

ماده ۴۰- منابع سؤالات آزمون، دروس حقوقی در حد مقطع کارشناسی و شامل: حقوق اساسی، حقوق تجارت، حقوق کیفری، حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری، اصول و مبانی استنباط و متون فقهی در حد تحریرالوسیله امام خمینی (ره) است.

ماده ۴۱ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) داوطلبانی که حداقل هفتاد درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حائزان بالاترین امتیاز را براساس نمره تراز شده کسب کرده اند، جهت طی مراحل مقتضی معرفی می‌گردند.



ماده ۴۲ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در اجرای تبصره ۲ ماده ۵ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و ماده ۵۹ قانون جامع خدمات رسانی به ایشارگران، نصاب مذکور در ماده فوق حداقل ۶۰ درصد می باشد. این متقاضیان علاوه بر کسب نمره قبولی مذکور، باید شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه را دارا باشند

ماده ۴۳- قبول شدگان در آزمون و سایر متقاضیان پروانه وکالت و کارآموزی، باید فرم تقاضانامه را با مفاد زیر، تکمیل و ارائه کنند:

۱- مشخصات فردی متقاضی؛

۲- نشانی محل اقامت؛

۳- سوابق شغلی قبلی و حین تقاضا؛

۴- تصریح به نداشتن پیشینه مؤثر و غیر مؤثر کیفری و محکومیت انتظامی و در صورت داشتن چنین سابقه‌ای، ذکر نوع جرم و تخلف ارتكابی، حکمی که صادر شده، مجازاتی که تعیین شده و وضعیت اجرای آن؛

۵- تصریح به وجود یا فقدان هر نوع پرونده مفتوح کیفری در مراجع قضایی؛

۷- تصریح به سلامت روان؛

۷- تصریح به عدم اعتیاد به مواد مخدر، روان گردان و مسکر؛



۸- تصریح به عدم اشتغال در شغل دولتی و سایر ارگان‌ها و نهادهای مذکور در بند ۲ ماده ۱۰ لایحه استقلال و عدم شمول قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ با الحاقات بعدی.

ماده ۴۴- تقاضانامه باید دارای ضمایم زیر باشد:

۱- تصویر مصدق کلیه صفحات شناسنامه و کارت ملی؛

۲- تصویر مصدق مدرک تحصیلی موضوع ماده ۴۶ این آیین‌نامه، تاریخ فارغ التحصیلی باید قبل از تاریخ ثبت‌نام آزمون ورودی باشد؛

۳- تصویر مصدق کارت پایان خدمت یا معافیت دائم از خدمت وظیفه عمومی، تاریخ پایان خدمت یا معافیت باید قبل از تاریخ ثبت‌نام آزمون ورودی باشد؛

۴- گواهی سلامت روان به تأیید پزشکی قانونی یا یکی از مراکز مشاوره مورد تأیید پزشکی قانونی؛

۵- چهار قطعه عکس

ماده ۴۵- متقاضیان قبول شده در آزمون، باید در موعدهای که از سوی کانون تعیین و اعلام می‌شود، فرم تقاضانامه را تکمیل و ضمایم آن را ارائه دهند. قبولی افرادی که ظرف سه ماه از انقضای موعد مقرر، بدون عذر موجه، نسبت به تکمیل فرم تقاضانامه، ارائه مدارک و رفع نقص از پرونده اقدام نکنند، کأن لم یکن خواهد شد. برای جایگزینی، متقاضیان به ترتیب رتبه‌های بعدی پذیرش می‌شوند.

تبصره- تشخیص و تطبیق عذر موجه با کانون است.



ماده ۴۶- پروانه کارآموزی و وکالت برای افرادی صادر می‌شود که علاوه بر دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی در یکی از رشته‌های حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی و یا سطح دو و بالاتر از دروس حوزوی، دارای شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه و فاقد موانع مقرر در ۱۰ لایحه استقلال بوده و حسب مورد در آزمون ورودی پذیرفته شوند یا به موجب قانون از شرکت در آزمون یا کارآموزی یا هر دو معاف باشند.

تبصره (الحاقی ۱۴۰۲/۴/۱۱) شمول این ماده بر ایشارگران، تابع شرایط و مقررات قانونی مربوط می‌باشد.

ماده ۴۷- قانون به منظور احراز شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه از مراجع ذیصلاح به شرح زیر استعلام می‌کند:

۱- در مورد بند (ج) ماده مذکور از اداره کل سـجل کیفری و عفو و بخشودگی قوه قضاییه؛

۲- در مورد بند (ز) ماده مذکور از پزشکی قانونی؛

۳- در مورد شرایط مقرر در بندهای (د)، (هـ)، و (و) ماده مزبور از مراجع ذیصلاح از قبیل وزارت اطلاعات؛

۴- در مورد دارندگان پایه قضایی و کارکنان اداری قوه قضاییه حسب مورد از دادسرای انتظامی قضات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه، امور اداری و استخدامی قضات و کارکنان اداری و دادگستری کل استان آخرین محل خدمت آنان؛



۵- در مورد مشمولین بند (د) ماده ۸ لایحه استقلال از آخرین محل خدمت متقاضی.

تبصره- در مورد دارندگان پایه قضایی متقاضی وکالت، چنانچه ظرف شش ماه از خاتمه خدمت قضایی، تقاضای پروانه وکالت نمایند، استعلام موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۷ این آیین نامه به عمل نخواهد آمد و سایر استعلام‌های موضوع ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه، صرفاً از دادسرای انتظامی قضات صورت می‌گیرد.

ماده ۴۸ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) احراز شرایط موضوع بندهای الف و ب ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه، توسط اعضای کمیسیون متشکل از رئیس کانون، رئیس کمیسیون کارآموزی کانون، دادستان انتظامی کانون به عمل می‌آید. کمیسیون با تشکیل جلسات منظم و وضعیت داوطلبان را بررسی می‌کند و حسب مورد با انجام مصاحبه یا دستور تحقیق محلی یا استعلام از مراجع ذی صلاح و سایر روش‌های قانونی و شرعی، در مورد احراز شرایط مذکور، اظهار نظر می‌کند تصمیم کمیسیون از طریق کانون به داوطلب ابلاغ می‌شود.

تبصره (الحاقی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در اجرای ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه، در صورت تخلف هر یک از اعضای کمیسیون از مفاد این ماده، به مجازات درجه ۵ محکوم خواهد شد.

ماده ۴۹- مراجع مذکور در ماده ۴۷ این آیین نامه مکلفند ظرف دو ماه به استعلام‌ها پاسخ دهند. در صورت عدم وصول پاسخ، صدور پروانه وکالت و کارآموزی وکالت، با لحاظ شرایط دیگر بلامانع است. در این



موارد، چنانچه پاسخ استعلام‌ها در هر مرحله واصل و مشعر بر فقدان یکی از شرایط مذکور در این آیین‌نامه باشد، پروانه وکالت یا کارآموزی ظرف حداکثر یک ماه به حکم دادگاه انتظامی در صورت احراز باطل می‌شود.

ماده ۵۰- قضات به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت به هر نحو ندارند. متخلف به ترتیب تکرار به مجازات‌های انتظامی درجه ۳ تا ۶ محکوم می‌شود.

ماده ۵۱- تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی، با رعایت مقررات این آیین‌نامه، در صورتی که نقصی نداشته باشد و در صورتی که دارای نقص باشد، پس از رفع نقص، از طرف دفتر کانون، به نظر رئیس کانون می‌رسد و رئیس کانون رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون و یا کارمندان اداری کانون یا کارآموزان ارجاع می‌نماید که ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم نماید. گزارش مزبور در هیأت‌مدیره طرح می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر می‌شود. اگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شود، به کمیسیون کارآموزی ارجاع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی متقاضی می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیأت‌مدیره به دادگاه عالی شکایت نماید. دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود شکایت، تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد که پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود. حکم دادگاه عالی قطعی است و اجرای آن به عهده ریاست کانون بوده و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.



ماده ۵۲ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در مورد متقاضیانی که مطابق قانون از شرکت در آزمون معاف هستند، تعیین محل اشتغال به وکالت در حوزه های قضایی هر استان به تصمیم هیأت مدیره و براساس ضوابط مصوب رئیس قوه قضاییه، مطابق ماده ۱۶۱ این آیین نامه انجام می شود. متقاضیان موضوع این ماده تقاضای خود را به کانون تسلیم می نمایند، کانون سوابق آنان را از مراجع موضوع ماده ۴۷ این آیین نامه استعلام می کند و پس از وصول پاسخ استعلام، اعلام و تصویب هیأت مدیره، حسب مورد پروانه وکالت یا کارآموزی آنان صادر می شود.

ماده ۵۳- کمیسیون کارآموزی از یک یا چند شعبه و هر شعبه از پنج وکیل منتخب هیأت مدیره که دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره کانون باشند، تشکیل می شود. جلسات هر شعبه با حضور حداقل سه عضو رسمیت می یابد و تصمیمات آن نیز با حداقل سه رأی موافق معتبر خواهد بود. رئیس کمیسیون کارآموزی توسط هیأت مدیره انتخاب می شود و در صورت تعدد شعب، ریاست همه شعب را به عهده دارد.

ماده ۵۴- کارآموز در دوره کارآموزی، تکالیف زیر را در سه مرحله تحت نظر کانون و وکیل سرپرست، انجام می دهد:

۱- مرحله اول: شرکت در جلسات سخنرانی علمی و کارگاه های آموزشی حوزه وکالت و کارآموزی به مدت دو ماه و حداقل پنج ساعت؛ در پایان این مرحله، از کارآموز آزمون کتبی به عمل آمده و پس از قبولی، بلافاصله مرحله دوم آغاز می شود. در صورت عدم شرکت در



آزمون یا عدم قبولی، این آزمون تا دو مرتبه دیگر قابل تکرار است. در صورت عدم شرکت یا عدم قبولی کارآموز در نوبت سوم، با اعلام کمیسیون کارآموزی و تأیید هیأت مدیره، پروانه کارآموزی ابطال خواهد شد. این تصمیم قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

۲- مرحله دوم: کارآموز مدت شش ماه هر روز (به غیر از ایام تعطیل) تمام وقت اداری در مراجع قضایی حضور می یابد و روزانه از یک پرونده دارای وقت رسیدگی یا در حال رسیدگی، گزارش تهیه می نماید. کارآموز در این مدت باید در همه انواع مراجع قضایی اعم از شعب دادیاری و بازپرسی، دادگاه های حقوقی، خانواده، کیفری یک و دو، انقلاب، تجدیدنظر، دوائر اجرای احکام شرکت نموده و حضور داشته باشد. در صورت عدم تأیید کمیسیون کارآموزی، این دوره تا دو مرتبه دیگر و هر بار حداکثر به مدت چهار ماه قابل تمدید است. در پایان مرتبه سوم و عدم تأیید در کمیسیون کارآموزی، با اعلام کمیسیون و تأیید هیأت مدیره، پروانه کارآموزی ابطال می شود. این تصمیم قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

تبصره - تهیه امکانات و برنامه اجرایی بند فوق بر عهده کانون است که با هماهنگی دادگستری کل استان اقدام خواهد کرد.

۳- مرحله سوم: مدت این مرحله هفت ماه است و کارآموز باید تکالیف زیر را انجام دهد:

الف - با معرفی کانون نزد وکیل سرپرست به آموزش و تمرین عملی امور وکالت پردازد و گواهی ماهانه وکیل سرپرست را ارائه دهد؛



ب- در حداقل پنجاه ساعت جلسات سخنرانی علمی و کارگاه آموزشی حضور یابد؛

پ- امور محوله از سوی کانون را انجام دهد؛

ت- گواهی مربوط به انجام تکالیف را ارائه داده و پس از تأیید در کمیسیون کارآموزی، در اختبار کتبی و شفاهی شرکت کند.

تبصره ۱- در صورت عدم انجام تکالیف مذکور یا عدم شرکت در اختبار کتبی و شفاهی یا عدم قبولی، مرحله سوم به ترتیب مقرر تجدید می‌شود. چنانچه کمیسیون کارآموزی مجدداً انجام تکالیف را تأیید نکند یا عذر غیبت از اختبار را موجه نداند و یا کارآموز در اختبار قبول نشود، پروانه کارآموزی به نحو مندرج در بند ۲ ابطال خواهد شد.

تبصره ۲- کارآموزان در دوره سوم می‌توانند تحت نظر وکیل سرپرست، وکالت حداکثر تا پنج پرونده را در ماه قبول کنند. وکالت کارآموزان در پرونده‌هایی که احکام آنها قابل فرجام است یا مرجع تجدیدنظر از احکام آنها دیوان عالی کشور است و یا پذیرش اعاده دادرسی کیفری، منفرداً یا به همراه وکیل سرپرست و سایر وکلا ممنوع است.

تبصره ۳- در مورد کارآموزانی که طبق قانون نصف مدت مقرر کارآموزی می‌کنند، مدت دوره های سه‌گانه فوق به نصف کاهش می‌یابد.



ماده ۵۵- در هر مورد که کارآموز برای شروع دوره اولیه یا مجدد در هر مرحله یا موارد دیگر مکلف به حضور و انجام تکالیف باشد، چنانچه حداکثر تا یک ماه از تاریخ اعلام، دوره مربوط را شروع نکند یا تا یک ماه پس از پایان دوره، خاتمه آن را اعلام و مدارک مربوطه را تحویل ندهد، رفتار وی به منزله عدم انجام تکلیف است، مگر اینکه تأخیر، حداکثر به مدت ۳ ماه با موافقت کمیسیون کارآموزی یا در موارد عذر موجه به تشخیص کمیسیون مذکور بوده یا کانون در شروع دوره تأخیر داشته باشد.

ماده ۵۶- کارآموز پس از طی مرحله دوم ظرف یک هفته پس از اعلام کانون، وکیل سرپرست خود را با شرایط مقرر، از محل کارآموزی انتخاب و موافقتنامه وی را به کانون تسلیم می‌نماید. در غیر این صورت، رئیس کانون وکیل سرپرست را انتخاب و مراتب را برای اجرا ابلاغ می‌کند.

تبصره- در صورتی که در محل کارآموزی؛ وکیل سرپرست واجد شرایط نباشد، از نزدیک‌ترین شهر، وکیل سرپرست معرفی می‌شود.

ماده ۵۷- شرایط و وظایف وکیل سرپرست به شرح زیر است:

الف- شرایط:

۱- حداقل هشت سال سابقه وکالت پایه یک برای شهر تهران و پنج سال برای سایر شهرها و داشتن پروانه تمدید شده؛

۲- نداشتن محکومیت انتظامی درجه چهار و بالاتر؛

۳- نداشتن سوء شهرت؛



۴- داشتن دفتر دایر و متناسب و اشتغال مستمر در محل تعیین شده در پروانه؛

ب- وظایف:

۱- نظارت بر رفتار و انجام تکالیف کارآموزی و شئون و اخلاق حرفه‌ای وکالت؛

۲- آموزش و راهنمایی کارآموز در پرونده‌های وکالتی وی و نظارت بر آن‌ها؛

۳- پذیرش کارآموزان و حداکثر پنج کارآموز به صورت هم‌زمان؛

تبصره- در محل‌هایی که وکیل واجد شرایط به تعداد کافی نباشد، با موافقت رئیس کانون، پذیرش بیش از پنج کارآموز هم‌زمان مجاز است.

۴- پذیرش کارآموز در دفتر، حداقل دو روز در هفته و فراهم کردن موجبات یادگیری مذاکره با موکل و مشاوره،

۵- گواهی و گزارش نحوه انجام تکالیف مقرر به کمیسیون کارآموزی.

ماده ۵۸- عدم رعایت مواد ۵۶ و ۵۷ این آیین‌نامه از سوی وکیل سرپرست، تخلف انتظامی محسوب و موجب مجازات درجه دو و در صورت تکرار تابع مقررات انتظامی است.

ماده ۵۹- هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود. این کارنامه باید در مورد حضور در جلسات دادگاه و سایر مراجع قضایی به گواهی قضات، در مورد کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام می‌شود و حسن اخلاق و رفتار در دوره



کارآموزی، به گواهی وکیل سرپرست، در مورد انجام کارهایی که از طرف کانون ارجاع می‌شود، به گواهی مسئول واحد ارجاع‌کننده و در خصوص حضور در کلاس‌های آموزشی و سخنرانی علمی به گواهی کمیسیون کارآموزی برسد.

ماده ۶۰- در کلیه مواردی که تصمیم هیأت مدیره یا دادگاه انتظامی، ابطال پروانه کارآموزی است و همچنین در مورد انصراف کارآموز یا اقدامی که به منزله انصراف است، صدور پروانه مجدد کارآموزی برای کلیه کارآموزان مشمول این آیین‌نامه منوط به شرکت در آزمون ورودی و قبولی در آن و احراز شرایط قانونی است.

ماده ۶۱- پس از انجام تکالیف کارآموزی، با تقاضای کارآموز، کمیسیون کارآموزی مدارک انجام تکالیف را بررسی و در صورت پذیرش، اختبار کتبی و شفاهی برگزار کرده و نتیجه را به رئیس کانون گزارش می‌دهد. اعضای اختبار از بین وکلای دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره که در موضوع اختبار دارای تجربه عملی یا تخصص علمی باشند، با معرفی کمیسیون کارآموزی توسط هیأت مدیره انتخاب می‌شوند.

ماده ۶۲- اختبار کتبی و شفاهی شامل دروس حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، قوانین و مقررات و کالت، حقوق کیفری، آیین دادرسی کیفری، حقوق تجارت و حقوق ثبت و امور حسبی است.



ماده ۶۳- قبولی در اختبار، منوط به کسب نمره ده از بیست در حداقل پنج درس و معدل کل دوازده از بیست است. در معدل گیری نمره هر درس، ضریب اختبار کتبی «سه» و ضریب اختبار شفاهی «یک» است.

ماده ۶۴- در صورتی که کارآموز در اختبار قبول نشود، یک نوبت تجدید دوره خواهد شد. در دوره تجدیدی، مرحله سوم ماده ۵۴ این آیین نامه تکرار و در صورت مردود شدن در دومین اختبار، پروانه کارآموزی با اعلام کمیسیون کارآموزی و تأیید هیأت مدیره، ابطال می شود. این تصمیم قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

ماده ۶۵- انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است، ولی از کارهایی که کارآموز با رعایت مقررات این آیین نامه شخصاً قبول می نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می دهد، می تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید.

ماده ۶۶- به کارآموزانی که در اختبار قبول شده و سوگند یاد کنند، پروانه وکالت پایه یک داده می شود. مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلا درج نمی شود و باید در فهرست اسامی کارآموزان کانون قید شود.

ماده ۶۷- کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و رفتار داشته باشند و نمی توانند به شغل دیگری که منافای حیثیت و شئون وکالت است اشتغال ورزند. چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی فقدان تمام یا برخی از شرایط مقرر در قانون در مورد آنها احراز شود، با تأیید رئیس کانون و رأی دادگاه انتظامی پروانه کارآموزی آنان ابطال می شود.



ماده ۶۸- هر یک از مقامات قضایی از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق، حیثیت و شئون وکالت توسط کارآموزان یا فقدان شرایط قانونی در آنها یا ارتکاب تخلف انتظامی توسط آنان مطلع شود، حسب مورد ضمن اطلاع به دادستان یا رئیس حوزه قضایی، گزارش امر را جهت رسیدگی به رئیس کانون مربوطه ارسال می کند.

ماده ۶۹- پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی، مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لااقل دو نفر از اعضاء هیأت مدیره به شرح زیر سوگند یاد کند و صورت مجلس قسم و قسم نامه را امضاء نماید:

«در این موقع که می خواهم به شغل شریف وکالت نائل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده ام».

ماده ۷۰- پروانه وکالت پس از صدور گواهی اتمام دوره کارآموزی و موفقیت در آن، ادای سوگند، امضای ذیل سوگندنامه و تعهدنامه به انجام معاضدت قضایی اعطا می شود. امضای پروانه وکالت دادگستری



بر عهده رئیس کانون مربوط است و پس از انجام تحلیف، پروانه به وکیل تحویل می‌شود.

بخش پنجم - درجه‌بندی وکلا و ترفیعات:

ماده ۷۱- وکیلی که به حکم دادگاه انتظامی به تنزل پایه محکوم شده است؛ وکیل پایه دو محسوب و حق وکالت در دیوان عالی کشور و دعاوی در صلاحیت دادگاه کیفری یک را ندارد.

ماده ۷۲- با احراز شرایط زیر وکیل پایه دو به پایه یک ترفیع می‌یابد:

۱- اشتغال به وکالت به مدت سه سال در پایه دو، مشروط بر اینکه پروانه همه‌ساله تمدید اعتبار شده باشد. مدت تعلیق و ممنوعیت از وکالت و تودیع پروانه، جزء مدت مذکور محاسبه نمی‌شود.

۲- نداشتن محکومیت انتظامی درجه چهار و پنج و پرونده انتظامی منجر به تنظیم کیفرخواست.

۳- رعایت ضوابط وکالت، طبق قوانین و مقررات.

۴- ارائه گواهی نداشتن محکومیت مؤثر کیفری در دوره اشتغال به وکالت پایه دو.

تبصره- مدت انتظار ترفیع وکلایی که قبل از ابلاغ این آیین‌نامه به تنزل پایه وکالت محکوم شده‌اند، سه سال از تاریخ شروع اجرای حکم است.

ماده ۷۳- در اجرای ماده ۱۱ لایحه استقلال، وکلای متقاضی ترفیع علاوه بر دارا بودن شرایط مقرر قانونی، باید حسن انجام وظیفه وکالتی



آنان حسب مورد به گواهی رئیس حوزه قضایی و دادستان عمومی و انقلاب شهرستان محل پروانه فعالیت آنها برسد و در صورتی که محل پروانه فعالیت وکیل در مرکز استان باشد، حسن انجام وظیفه و کالتی باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان و دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مربوط برسد. مقامات قضایی یاد شده با اهتمام کافی و پس از استعلام از مراجع قضایی تابعه و احراز موضوع، حسن انجام وظیفه وکیل را گواهی می کنند.

ماده ۷۴- درخواست ترفیع با رعایت شرایط مقرر در ماده ۷۲ این آیین نامه به دفتر کانون تسلیم و جهت بررسی به کمیسیون ترفیع ارجاع می شود. گواهی حسن انجام وظیفه در مراجع قضایی حسب مورد از مقامات قضایی مذکور در ماده ۷۳ این آیین نامه، گواهی حسن انجام کارهای معاضدت قضایی یا عدم ارجاع امر معاضدت قضایی از شعبه معاضدت قضایی کانون و گواهی رعایت مقررات و نظامات و سوابق محکومیت انتظامی یا پرونده های انتظامی از دادسرای انتظامی باید ضمیمه تقاضا باشد. کمیسیون ترفیع حداکثر ظرف یک ماه پس از ارجاع درخواست را بررسی و با توجه به شرایط مقرر، نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اعلام می کند. رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در هیأت مدیره است.

ماده ۷۵- کمیسیون ترفیع از پنج وکیل منتخب هیأت مدیره که دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره باشند، تشکیل می شود.

بخش ششم - تعهدات و وظایف وکلا:

ماده ۷۶- اهم وظایف و تعهدات هر وکیل به شرح زیر است:



۱- اهتمام به صلح و سازش پیش از طرح دعوا در مراجع قضایی و در تمام مراحل رسیدگی؛

۲- تنظیم وکالت‌نامه و قرارداد مالی با موکل به نحو دقیق، کامل و با درج تاریخ و مبلغ دقیق حق‌الوکاله مطابق با ماده ۱۹ لایحه استقلال و آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و حق‌المشاوره و هزینه سفر و کلای دادگستری و تسلیم نسخه‌ای از وکالت‌نامه و قرارداد مالی به موکل در قبال اخذ رسید و نیز ثبت قرارداد مالی در سامانه ثبت قرارداد مالی وکلا و تسلیم نسخه‌ای از وکالت‌نامه و قرارداد مالی به مرجع قضایی مربوط؛

۳- دادن رسید به موکل در قبال دریافت اسناد و وجوه دریافتی و استفاده از پایانه فروشگاهی؛

۴- انجام اقدامات زیر پس از قبول وکالت:

الف- ارائه مشاوره حقوقی به موکل؛

ب- تنظیم قرارداد، دادخواست، شکوائیه و لایحه؛

پ- داوری و میانجیگری با رعایت قوانین و مقررات؛

ت- همکاری با موکل در مراجع قضایی، دولتی و غیردولتی؛

ث- انجام وظیفه وکالتی در مدت متعارف و نیز پیگیری امور موکل، بر اساس ضوابط قانونی و دفاع از حقوق موکل؛

۵- دایر کردن دفتر در شهر محل اشتغال که از سوی کانون متبوع بر اساس مقررات این آیین‌نامه تعیین می‌شود، با حفظ شئون وکالت؛ وکلا



ضامن امنیت اخلاقی دفتر کار خود هستند و نسبت به رعایت موازین شرعی، پوشش مناسب و رعایت عفاف و تقوی در دفتر کار مسئول اند. وکیل باید بر اعمال کارکنان دفتر وکالت نظارت کند و در صورت عدم نظارت کافی نسبت به خسارات ناشی از تخلفاتی که کارکنان دفتر وکالت در ارتباط با وظایف محوله مرتکب می‌شوند، مسئولیت مدنی دارد. این امر مانع از اقامه دعوای وکیل و زیان دیده علیه کارمند مقصر نیست.

۶- پرداخت مالیات قانونی و ایفای تعهدات مالی خود نسبت به قانون و صندوق حمایت وکلای دادگستری در موعد مقرر؛

۷- تنظیم الحاقیه قرارداد و پرداخت مالیات، سهم کانون و سهم صندوق حمایت وکلای دادگستری در مواردی که در خصوص حق الوکاله، پس از تنظیم وکالت‌نامه و یا اعلام وکالت توافق دیگری شود؛

۸- اجتناب از دریافت هرگونه وجه یا مال یا سند رسمی یا غیررسمی از موکل علاوه بر میزان مورد توافق به‌عنوان حق الوکاله و چنانچه توافق در بین نباشد، افزون بر تعرفه حق الوکاله و هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های سفر و دیگر هزینه‌های متعارف مربوط به رسیدگی تحت هر اسم و عنوان، از قبیل وجه التزام و تضمین و مانند آن؛

۹- داشتن دفتر ثبت و بایگانی منظم و تشکیل پرونده به‌صورت فیزیکی یا الکترونیکی برای هر موکل، به‌نحوی که حاوی کلیه اقدامات



انجام شده برای موکل باشد و نیز نگهداری سوابق دعاوی تا ۱۰ سال پس از مختومه شدن پرونده وکالتی؛

۱۰- خودداری از در اختیار غیر گذاشتن اوراق وکالت نامه سفید امضای خود؛

۱۱- خودداری از اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد وکالت بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد؛

۱۲- اجتناب از وکالت در ایام تعلیق، ممنوعیت و محدودیت از وکالت در مراجع قضایی و مراجع اختصاصی غیر قضایی یا وکالت بدون تمدید اعتبار پروانه؛

۱۳- اجتناب از درج شروط مخالف اخلاق حسنه و یا شروط غیرمتعارف در قرارداد وکالت؛

۱۴- رعایت مصلحت موکل در موارد استناد به اختیار صلح و سازش مندرج در وکالت نامه؛

۱۵- انجام کلیه مکاتبات مربوط به وظایف وکالتی با استفاده از سربرگ خود که حاوی نام، نام خانوادگی، نشانی دفتر، شماره تلفن، پست الکترونیکی، شماره پروانه و نام کانون متبوع باشد و خودداری از درج عناوین و سوابق شغلی غیر از وکالت در این قبیل مکاتبات؛

تبصره- درج عنوان مدارج تحصیلی برای دارندگان آن مشروط به ارائه مدرک به کانون، مجاز است. رعایت حکم مقرر در این بند در مورد معرفی وکیل به هر نحوی الزامی است.



۱۶- خود داری از معرفی درجه، میزان تحصیلات و تخصص خود، بالاتر و متفاوت از آنچه که دارد، به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا وسایل دیگر و همچنین خودداری از استفاده از عناوین غیرواقعی؛

۱۷- پذیرش وکالت‌های معاضدتی و تسخیری تا چهار پرونده در سال و نیز انجام اموری که بر اساس قوانین و مقررات از طرف کانون به وی محول می‌شود و جدیت و دقت در انجام این اقدامات و اطلاع‌رسانی اقدامات خود به کانون و واحد ارجاع دهنده؛

تبصره- وکیل معاضدتی و تسخیری از پرداخت مالیات و حقوق صنفی معاف است. در صورت دریافت حق‌الوکاله، معافیت موضوع این تبصره اعمال نمی‌شود.

۱۸- شرکت در برنامه‌های آموزشی و علمی که به منظور ارتقای علمی و عملی وکلا از سوی کانون به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود؛

۱۹- حضور در مرجع قضایی در مواردی که حسب قانون حضور وکیل در مرجع قضایی الزامی است یا اعلام عذر موجه و یا ارسال لایحه در سایر موارد به نحوی که رسیدگی مرجع قضایی به تأخیر نیفتد؛

۲۰- رعایت ماده ۲۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با اصلاحات بعدی در موارد دعوت هم‌زمان وی به چند مرجع قضایی و عدم امکان حضور در تمام مراجع مذکور؛

۲۱- خودداری از اعلام و بیان عذر خلاف واقع، در صورت عدم حضور در مراجع قضایی و مراجع انتظامی کانون در مواعد مقرر؛



۲۲- قبول و رؤیت کلیه اوراق فرستاده شده از کانون اعم از نامه، اختاریه، تصویر کیفرخواست و رأی که به وسیله مأمور پست با کانون یا از طریق سامانه ارسال می‌شود، به محض رؤیت و ارائه رسید در قبال دریافت اوراق مذکور از مأمور پست یا کانون؛

۲۳- پاسخ به شکایت‌ها و اعلامات انتظامی در مواعد تعیین شده، در دادسرا و دادگاه انتظامی از طریق تقدیم لایحه و نیز حضور در دادسرا و دادگاه انتظامی در مواردی که ضرورت حضور به وکیل اعلام می‌شود؛

۲۴- خودداری از تصدیق اسنادی که اصول آن‌ها را رؤیت نکرده است؛

۲۵- استفاده به موقع از اختیارات قانونی خود که مورد توکیل واقع شده، مانند اعتراض به نظریه کارشناسی، واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، مگر اینکه با توجه به ادله ابرازی، اعتقادی به اقدام در موارد مذکور نداشته باشد، در این صورت باید به موکل یا نماینده امور او اطلاع داده و موافقت کتبی دریافت کند؛

۲۶- تحویل فوری پروانه وکالت، دفترچه و کارت شناسایی خود به کانون در صورت تعلیق؛ مدارک مذکور تا پایان مدت تعلیق، در کانون نگهداری خواهد شد؛

۲۷- تمدید پروانه وکالت قبل از انقضای اعتبار آن؛ تمدید اعتبار در پروانه وکیل و سامانه اطلاع‌رسانی کانون درج و ملاک تشخیص اعتبار برای کلیه مراجع است. هر وکیلی که پروانه خود را در مهلت مقرر تمدید نکند، حق استفاده از عنوان وکیل و انجام امور وکالتی را ندارد.



۲۸- خودداری از تحصیل وکالت به وسیله فریبنده یا ترغیب موکل به انعقاد قرارداد با وعده های غیرواقعی از قبیل تضمین نتیجه دادرسی یا ادعای داشتن نفوذ یا تضمین حصول نتیجه در مدت معین؛

۲۹- اجتناب از پذیرش حق الوکاله به میزان درصدی از عین مدعی به یا عین محکوم به (غیر از وجه رایج)؛

۳۰- به کارگیری تلاش خود در حدود مقررات، برای اطلاع از محتوای پرونده و انجام اقدامات متناسب و به موقع در دفاع از موکل، به نحوی که فرصت‌ها و امکان دفاع از موکل تضییع نشود؛

۳۱- خودداری از قبول وکالت مستقیم یا غیرمستقیم در صورتی که وکیل و قاضی رسیدگی کننده به پرونده، هم‌زمان با رسیدگی، رابطه استاد و دانشجویی داشته باشند؛

۳۲- اطلاع رسانی فوری به موکل یا نماینده وی به هر طریق مقتضی، پس از ابلاغ رأی یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است؛

۳۳- رازداری و عدم افشای اسرار موکل خود نزد دیگران؛

۳۴- خودداری از ارائه هرگونه مشاوره حقوقی یا هرگونه همکاری با طرف دعوای موکل در موضوع پرونده؛

۳۵- خودداری از تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و مراجع دولتی و قضایی و نیز اجتناب از هرگونه تبلیغ یا اظهار نظر علیه مبانی نظام جمهوری اسلامی و یا ارتکاب رفتار خلاف شرع یا قانون در فضای حقیقی و یا مجازی؛



۳۶- اجتناب از رفتار مخل نظم دادگاه و سایر مراجع قضایی و دولتی و رعایت شأن مقامات قضایی و اداری و نیز رعایت نظم و انضباط در هنگام حضور و تردد در مراجع قضایی؛

۳۷- اجتناب از ارائه اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاصی که به نحوی در رسیدگی قضایی به دعوا یا شکایت مداخله دارند، با علم به خلاف واقع بودن اسناد و مدارک یا اطلاعات مذکور؛

۳۸- استرداد اموال و سپرده‌های وصولی به نام موکل، پس از انتفای وکالت و تسویه حساب در مهلت متعارف؛

۳۹- عدم ارتکاب اعمال و رفتاری که خلاف شئون وکالت یا اشتغال به شغلی که مخالف شئون و حیثیت وکالت است؛

۴۰- خودداری از انجام اقدامات عمدی که به منظور اطاله دادرسی انجام می‌شود، از قبیل طرح ایرادات دادرسی، رد غیرموجه دادرسی یا داور یا کارشناس و یا استعفای از وکالت و قبول مجدد و یا تقدیم دادخواست و شکوائیه به صورت ناقص از لحاظ هزینه‌های قانونی؛

۴۱- اطلاع‌رسانی استعفای خود به موکل و مرجعی که پرونده در آن مطرح است، به نحوی که موجب تجدید جلسه نشود؛ هرگاه وکیلی که حق تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی دارد، بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیرقطعی، استعفا دهد؛ باید حداکثر ظرف پنج روز از ابلاغ رأی، مراتب را به موکل اطلاع دهد.



۴۲- خودداری از قبول وکالت نسبت به پرونده‌هایی که قبلاً در آن‌ها قضاوت یا داوری کرده، مستقیماً یا با توکیل به غیر و همچنین خودداری از قبول وکالت مستقیم یا غیرمستقیم یا مشاوره یا داوری هم‌زمان علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی که مشاور یا وکیل آن‌هاست؛

۴۳- خودداری از قبول وکالت علیه موکل سابق خود و یا قائم‌مقام قانونی وی، در همان موضوع، بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر؛ خواه به وکالت از طرف مقابل موکل سابق خود یا اشخاص ثالث؛

۴۴- خودداری از قبول وکالت یا مشاوره علیه اشخاص حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی که مستخدم یا به‌موجب قرارداد، مشاور آن‌ها بوده، تا پنج سال از تاریخ قطع همکاری با آن‌ها؛

۴۵- خودداری از قبول وکالت، یا هرگونه مشاوره یا داوری نسبت به پرونده‌ای که علیه اشخاص حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی تشکیل شده یا تشکیل می‌شود و وکیل مستخدم یا به‌موجب قرارداد، مشاور آن‌ها بوده و اطلاعات موضوع آن پرونده را در اختیار دارد؛

۴۶- خودداری از قبول وکالت به‌رغم داشتن جهتی از جهات رد و یا عدم استعفا در صورت حدوث این جهات در اثناء وکالت.

ماده ۷۷- وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند، به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام اعم از قبول وکالت برای مطالعه پرونده و یا به‌طور مشترک با سایر وکلا و کارآموزان و یا توکیل به غیر ممنوع هستند.



ماده ۷۸- پوشش وکلای در مراجع قضایی و دولتی و محل کار باید مناسب با شأن وکیل، منزلت وکالت و با رعایت موازین شرعی و قانونی باشد.

ماده ۷۹- مصاحبه وکلای دادگستری یا انتشار مطالب در رسانه‌ها توسط آنان به نحوی که متضمن افشای اسناد طبقه بندی شده یا انتشار جریان تحقیقات مقدماتی باشد و همچنین مصاحبه یا انتشار جریان دادگاه غیرعلنی و نیز جریان رسیدگی و گزارش پرونده مطرح در دادگاه علنی در رسانه‌ها به نحوی که متضمن بیان مشخصات شاکی یا متهم و یا هویت فردی و یا موقعیت اداری و اجتماعی آن‌ها باشد، در کلیه مراحل دادرسی تا قبل از قطعیت حکم، توسط وکلای دادگستری ممنوع است.

ماده ۸۰- وکلایی که به مشاغل دیگری همانند قضاوت، سردفتری اسناد رسمی، سردفتری دفاتر ازدواج و طلاق، تصدی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، مشاغل اداری و نظامی، انتظامی و غیر آن در کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، وابسته به دولت، و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری به‌طور رسمی، پیمانی، قراردادی، مشغول می‌شوند، باید حداکثر ظرف ده روز پس از اشتغال، پروانه وکالت خود را به کانون تودیع کنند و یا انصراف خود را از اشتغال به وکالت کتباً اعلام نمایند. در صورت تسلیم پروانه سابقه بیمه بازنشستگی این افراد برابر مقررات به محل اشتغال جدید قابل انتقال است. در صورت عدم اجرای مفاد این ماده، مراتب توسط رئیس کانون جهت ابطال پروانه به مرجع



انتظامی کانون ارجاع می‌شود. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی از حکم این ماده مستثنی هستند.

تبصره- وکلایی که به یکی از مشاغل مذکور در این ماده اشتغال دارند، حداکثر ظرف سه ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه باید وضعیت خود را با شرایط مقرر تطبیق داده و در صورت ادامه اشتغال به مشاغل مذکور، حسب مورد پروانه خود را تودیع و یا ضمن اعلام انصراف از وکالت، پروانه خود را به کانون تسلیم نمایند. در غیر این صورت طبق قسمت اخیر ماده فوق رفتار خواهد شد.

ماده ۸۱- تودیع پروانه برای یک دوره چهارساله و در صورت تحقق شرایط ماده قبل بلامانع است. این دوره حداکثر یک مرتبه قابل تمدید است. وکیل قبل از تودیع پروانه باید تکلیف پرونده‌های جریانی و تعهداتی که در قبال موکل دارد، معین کند. پروانه تودیع شده، در صورت درخواست وکیل و با موافقت هیأت مدیره مسترد خواهد شد. پس از سپری شدن دوره دوم تودیع، مدت تودیع تمدید نمی‌شود و وکیل باید ظرف ده روز تقاضای استرداد پروانه یا انصراف از وکالت دادگستری را به‌طور صریح به کانون اعلام کند. در صورت عدم تعیین تکلیف استرداد یا انصراف از سوی وکیل بعد از پایان دوره تودیع، پروانه وکالت به حکم دادگاه انتظامی باطل می‌شود. وکلایی که قبل از ابلاغ این آیین‌نامه، پروانه خود را تودیع یا تسلیم کرده‌اند و از شمول مشاغل ماده قبل خارج هستند، مکلفند حداکثر ظرف شش ماه درخواست استرداد پروانه خود را در کانون ثبت نموده و پس از دریافت پروانه، نسبت به تمدید اعتبار اقدام نمایند. در غیر این صورت منصرف



از وکالت تلقی و صدور مجدد پروانه وکالت، منوط به پذیرش مجدد برابر مقررات است.

ماده ۸۲- وکیل مکلف است نشانی پست الکترونیکی و اقامتگاه خود را مطابق با محل اشتغال به وکالت، به طور صریح و روشن به کانون اطلاع داده و در سامانه ثنا ثبت کند به نحوی که ابلاغ از طریق سامانه یا مأمور کانون یا دادگستری یا پست انجام شود. در صورت تغییر محل باید نشانی محل جدید را ظرف ده روز کتباً به کانون اطلاع دهد.

تبصره- مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه نشانی مذکور را مطابق با محل اشتغال مندرج در پروانه وکالت، ثبت می نماید.

ماده ۸۳- ابلاغ کلیه اوراق ارسالی از سوی کانون برابر مقررات قانون آیین دادرسی مدنی یا ضوابط مربوط به ابلاغ الکترونیک از جمله آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۵/۲۴ انجام می شود. در موارد ارسال از طریق پست، ظرف ده روز از تاریخ تسلیم به دفتر پست، ابلاغ شده محسوب می شود. چنانچه ثابت شود که اوراق به مقصد نرسیده، ابلاغ تجدید می شود. در مواردی که وکیل مخاطب از گرفتن اوراق یا رؤیت آنها امتناع کند، اوراق ابلاغ شده محسوب می شود.

تبصره- کانون ها ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این آیین نامه نسبت به ایجاد سامانه ابلاغ الکترونیک و سایر سامانه های مورد نیاز جهت ابلاغ اوراق به وکلا اقدام می کنند.



ماده ۸۴- مرکز آمار و فن آوری اطلاعات قوه قضاییه ساز و کار الکترونیکی ثبت قرارداد مالی و کلا و پرداخت های الکترونیکی را در سامانه اختصاصی توسعه و ارتقا می دهد. سامانه باید به گونه ای باشد که میزان حق الوکاله در هر یک از مراحل اعم از مطالعه پرونده، وکالت در رسیدگی بدوی، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی و نحوه پرداخت آن و نیز ابطال تمبر مالیاتی در هر مرحله وجود داشته باشد و توسط مسئول ابطال تمبر و مرجع قضایی قابل ملاحظه باشد. شناسه یکتای صادر شده برای هر قرارداد توسط سامانه قرارداد الکترونیکی، مبنای شناسایی و کیل در سامانه خدمات قضایی به منظور استخراج اطلاعات مالی مندرج در قرارداد و ابطال تمبر مالیاتی خواهد بود.

ماده ۸۵- به منظور انجام وظیفه نظارتی کانون بر وکلا و انجام تکالیف قانونی آنها و تضمین استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه در وکلای دادگستری، اداره نظارت و بازرسی با ریاست یکی از وکلای پایه یک حائز شرایط عضویت در هیأت مدیره، به انتخاب هیأت مدیره، با شرح وظایف زیر تشکیل و با ارجاع رئیس کانون اقدام می کند:

۱- بررسی رفتار وکلا از حیث انجام وظایف مندرج در این آیین نامه و رعایت شئون منصب وکالت و استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه؛

۲- همکاری با کمیسیون آموزش جهت برگزاری دوره های پیشگیری از وقوع تخلفات و هر نوع اقدام دیگری که در این مورد مؤثر باشد؛



۳- تهیه گزارش در خصوص سوء رفتار وکلا در فضای حقیقی و مجازی؛

۴- انجام موارد ارجاعی از سوی دادستان یا دادیاران انتظامی در خصوص تعقیب تخلفات انتظامی از جمله تمرکز غیرمجاز و عدم رعایت شأن وکالت با رعایت قوانین و مقررات؛

۵- بررسی و ارائه گزارش راجع به اشخاص و مؤسسات حقوقی که تظاهر به امر وکالت می نمایند به مراجع ذیصلاح؛

۶- تهیه گزارش از پرونده‌های محاکماتی دارای شاکی انتظامی و ارائه گزارش آن به رئیس کانون.

تبصره ۱- در صورتی که رئیس کانون به هر نحوی از عدم رعایت مقررات حوزه وکالت از سوی وکیل مطلع شود، مکلف است به اداره نظارت و بازرسی کانون دستور بررسی موضوع و ارائه گزارش جهت اقدام بعدی مطابق با مقررات این آیین نامه را بدهد.

تبصره ۲- اقدامات اداره نظارت و بازرسی کانون مانع از اقدام قانونی دادستان انتظامی جهت تعقیب همزمان موضوع نمی باشد.

تبصره ۳- در صورتی که رفتار وکیل مصداق تخلف انتظامی باشد، رئیس اداره نظارت و بازرسی همزمان موضوع را به دادستان انتظامی اطلاع می دهد.

ماده ۸۶- در اجرای ماده ۱۵ لایحه استقلال در صورتی که رئیس کل دادگستری استان یا دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مرکز استان یا دادستان عمومی و انقلاب شهرستان و یا رئیس حوزه قضایی تخلفی



از وکیل مشاهده کنند که قابل تعقیب باشد، مراتب را کتباً به دادسرای انتظامی اطلاع می‌دهند. دادسرای انتظامی به فوریت به موضوع رسیدگی و نتیجه را اعلام می‌کند. در صورتی که دادسرای مزبور پس از تحقیق و استماع دفاعیات مشتکی‌عنه موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، پرونده را با صدور کیفرخواست نزد دادگاه انتظامی ارسال می‌کند و در غیر این صورت، نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان عمومی و انقلاب شهرستان مرکز استان اطلاع می‌دهد. چنانچه این مقام قضایی به نظر دادسرای انتظامی تسلیم نشود، رأساً از دادگاه انتظامی رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌کند. دادگاه انتظامی موظف است به سرعت رسیدگی و تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید.

ماده ۸۷- در اجرای بند ۹ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات، مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷ چنانچه هر یک از قضات در راستای وظایف قانونی خود تخلفی از وکیل مشاهده کنند، علاوه بر انجام تکالیف قانونی خود، مراتب را حسب مورد به دادستان یا رئیس حوزه قضایی یا رئیس کل دادگستری استان اعلام می‌کنند.

ماده ۸۸- در اجرای ماده ۱۶ لایحه استقلال، هرگاه رئیس قوه قضاییه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضاییه در این ماده به وی تفویض شده است، از ارتکاب تخلف توسط وکیل به هر نحو مطلع شود، مراتب را جهت ارجاع به دادگاه انتظامی، به رئیس کانون اعلام می‌کند. رئیس کانون فوراً و به طور مستقیم موضوع را به دادگاه انتظامی ارجاع می‌کند.



ماده ۸۹ (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۴/۱۱) در اجرای ماده ۱۸ لایحه استقلال، در صورتی که رئیس قوه قضائیه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضائیه در این ماده به وی تفویض شده است یا رئیس هیأت مدیره کانون، به جهتی از جهات، اشتغال وکیل را به وکالت مقتضی نداند از دادگاه انتظامی تعلیق وکیل را می خواهد. دادگاه مذکور حداکثر ظرف یک ماه به این درخواست رسیدگی می کند در صورت صدور رأی بر تعلیق، این رأی قابل اجرا است. وکیل معلق حق تجدیدنظر خواهی دارد. رأی عدم تعلیق نیز از سوی مقامات مذکور، قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

ماده ۹۰- در اجرای ماده ۱۸ لایحه استقلال، در صورت درخواست شش نفر از اعضای هیأت مدیره، رئیس کانون مکلف است از دادگاه انتظامی تعلیق وکیل مورد تعقیب را درخواست کند. در صورت صدور رأی بر تعلیق یا عدم تعلیق مطابق ماده ۸۹ این آیین نامه عمل می شود.

ماده ۹۱ (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۴/۱۱) در مواردی که رئیس قوه قضائیه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضائیه در این ماده به وی تفویض شده است، در امور مربوط به وظایف یکی از اعضای هیأت مدیره کانون، دادرسان و یا دادستان دادگاه انتظامی تخلفی مشاهده کنند، مراتب را جهت رسیدگی به دادستان کل کشور اعلام می کند. دادستان کل کشور به فوریت تحقیق و در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را برای رسیدگی نزد دادگاه عالی ارسال می کند.



تبصره- دادگاه انتظامی و دادگاه عالی حسب مورد در کلیه موارد رسیدگی به تخلف یا تقاضای تعلیق موضوع مواد ۱۶، ۱۸ و ۲۱ لایحه استقلال فوری و خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند.

ماده ۹۲- در اجرای قانون نظارت بر رفتار قضات هر یک از وکلا که در حوزه وظایف وکالتی خود، نقض مقررات، عدم اجرای حقوق شهروندی و نظایر آن از سوی مقامات قضایی و اداری را مشاهده کنند، می‌توانند حسب مورد مراتب را به رئیس حوزه قضایی و عنداللزوم به دادسرای انتظامی قضات منعکس و درخواست رسیدگی کنند.

ماده ۹۳- هیأت مدیره کانون می‌تواند از طریق معرفی وکیل در مجله و پایگاه اطلاع‌رسانی کانون و با درج مشخصات و عکس، از جمله در موارد زیر وکیل را تشویق کند:

- ۱- اهتمام به تنظیم صورت جلسه اصلاحی و ایجاد صلح و سازش؛
 - ۲- اهتمام به احقاق حق برای موکلین معاضدتی و تسخیری؛
 - ۳- تألیف و یا ترجمه آثار حقوقی و تدوین مقالات معتبر علمی؛
 - ۴- همکاری مؤثر و مفید با ارگان‌های کانون، از جمله اداره معاضدت؛
 - ۵- ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان در سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه.
- بخش هفتم- دادسرا و دادگاه انتظامی:



ماده ۹۴- دادستان انتظامی و معاونان وی در تمام کانون‌ها از میان وکلای پایه یک دارای شرایط عضویت در هیأت مدیره، توسط هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

ماده ۹۵- دادرسان دادگاه انتظامی اعم از دادرسان اصلی و علی‌البدل باید شرایط عضویت در هیأت مدیره را داشته باشند و برای مدت دو سال توسط هیأت مدیره کانون انتخاب می‌شوند.

ماده ۹۶- هر دادگاه انتظامی مرکب از سه وکیل به‌عنوان دادرس دادگاه است. دادگاه انتظامی ممکن است دارای شعب متعدد باشد؛ در این صورت، پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از شعب دادگاه ارجاع می‌شود.

ماده ۹۷- انتخاب دادستان انتظامی و معاونین و دادرسان از طرف هیأت مدیره به رأی مخفی و به اکثریت دوسوم اعضاء حاضر در جلسه به عمل می‌آید. اگر در بار اول اکثریت مذکور به دست نیاید، در مرتبه دوم اکثریت نسبی ملاک است.

ماده ۹۸- از بین دادرسان اصلی، کسی که سابقه وکالت او بیشتر است، سمت ریاست دادگاه انتظامی را دارد. در صورت تساوی سابقه وکالت، مسن‌ترین دادرس اصلی، سمت ریاست را خواهد داشت و در صورت تساوی سن و سابقه، دادرسان اصلی از بین خود، رئیس دادگاه انتظامی را تعیین می‌کنند.

ماده ۹۹- موارد رد و امتناع دادستان، معاونان وی و دادرسان انتظامی، همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، برای دادرسان مقرر است. به‌علاوه، در موردی که متصدی



تحقیقات در دادسرا و یا دادرس دادگاه انتظامی، وکیل شاکی، مشتکی عنه یا شریک وکیل یکی از طرفین باشد یا بین وی و شاکی یا مشتکی عنه یا وکیل آن‌ها رابطه استاد و دانشجویی باشد، باید از تحقیق و رسیدگی امتناع نماید.

ماده ۱۰۰- در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد، رسیدگی به دادیار یا معاون دیگر ارجاع می‌شود و اگر دادستان انتظامی ممنوع از رسیدگی باشد، معاون اول مستقلاً در آن مورد، وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد، یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.

ماده ۱۰۱- در صورت غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی، دادرس علی‌البدل در رسیدگی دخالت می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد، از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و اگر شعبه دیگر نباشد، هیأت مدیره به جای اشخاص غائب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط، اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل تعیین می‌نماید که در رسیدگی دخالت نمایند.

ماده ۱۰۲- شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلا، ممکن است کتبی یا شفاهی باشد؛ شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان انتظامی فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضاء شاکی می‌رسد. دادستان انتظامی شخصاً یا به وسیله یکی از معاونان یا دادیاران نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.



ماده ۱۰۳- از هر طریق اطلاعی راجع به تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد، فوراً به دادسرای انتظامی ارجاع می‌کند و دادسرا باید به موضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نماید.

ماده ۱۰۴- در صورتی که دادستان انتظامی حضور مشتکی‌عنه را برای ادای توضیح و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار کند و مشتکی‌عنه بدون عذر موجه حاضر نشود، بر اساس محتویات پرونده اتخاذ تصمیم می‌کند. عذر موجه باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در مهلت تعیین شده برای رسیدگی به متصدی تحقیقات داده شود.

ماده ۱۰۵- در موارد زیر قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود:

۱- فوت یا جنون مشتکی‌عنه

۲- اعتبار امر مختوم

۳- شمول مرور زمان

۴- نسخ مجازات قانونی

ماده ۱۰۶- دادستان انتظامی پس از رسیدگی، در صورتی که عقیده بر تعقیب داشته باشد، کیفرخواست انتظامی صادر و به دادگاه انتظامی می‌فرستد. در غیر این صورت، قرار مقتضی صادر خواهد کرد. در صورتی که بین دادستان انتظامی و معاون او یا دادیار انتظامی که متصدی تحقیقات است، در تعقیب یا تطبیق موضوع با قانون یا آیین‌نامه اختلاف حاصل شود، نظر دادستان متبع است.



ماده ۱۰۷- قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب به طرفین و رئیس کانون ابلاغ می‌شود. شاکی و رئیس کانون چنانچه به قرار معترض باشند، باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به دادسرای انتظامی تسلیم کنند. در این صورت، پرونده برای رسیدگی به اعتراض به دادگاه انتظامی فرستاده می‌شود. دادگاه انتظامی در صورتی که قرار را صحیح دانست، آن را تأیید می‌کند. در صورتی که دادگاه مذکور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، قرار مورد اعتراض را نقض کرده و پس از رسیدگی رأی مقتضی صادر می‌کند

ماده ۱۰۸- پس از ارجاع کیفرخواست یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند، دادگاه انتظامی در صورت آماده بودن پرونده، وقت رسیدگی تعیین و علاوه بر دعوت طرفین، به اطلاع دادستان انتظامی نیز می‌رسد. تصویر کیفرخواست یا تقاضا نیز به همراه دعوت‌نامه وکیل مورد تعقیب، ارسال می‌شود.

ماده ۱۰۹- در وقت مقرر، دادگاه انتظامی پس از استماع توضیحات دادستان انتظامی یا نماینده وی، شاکی و وکیل مورد تعقیب، رسیدگی کرده و رأی می‌دهد. عدم حضور هر یک از دعوت‌شدگان مانع رسیدگی و صدور رأی نیست. رأی دادگاه در صورت ابلاغ وقت رسیدگی، در هر حال حضوری محسوب می‌شود.

تبصره- دادگاه انتظامی، برابر مقررات آیین دادرسی مدنی، مجاز به اصلاح رأی است.

ماده ۱۱۰- دادگاه انتظامی باید نسبت به موضوعاتی که ارجاع می‌شود رسیدگی کرده و رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف، می‌تواند با اصلاح



عنوان تخلف، مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین کند و در مورد درخواست تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده، رأی بدهد.

ماده ۱۱۱- در صورتی که دادگاه انتظامی، نقایصی در پرونده مشاهده کند، می‌تواند ضمن تعیین موارد نقص، رفع آن‌ها را از دادرسی انتظامی بخواهد. دادرسی بر اساس نظر دادگاه، نقایص را رفع و بدون اظهار نظر جدید، پرونده را به دادگاه اعاده می‌کند.

ماده ۱۱۲- آراء دادگاه انتظامی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، از سوی اشخاص زیر قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی است:

۱- شاکی خصوصی نسبت به کلیه آراء

۲- رئیس کانون و دادستان انتظامی نسبت به کلیه آراء برائت و قرار موقوفی تعقیب و احکام مجازات انتظامی درجه چهار و بالاتر

۳- مقامات مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ این آیین‌نامه نسبت به کلیه آرای صادره و نیز رد تقاضای تعلیق در اجرای مواد ۱۶ و ۱۸ لایحه استقلال

۴- محکوم‌علیه نسبت به احکام مجازات درجه چهار و بالاتر

ماده ۱۱۳- دادگاه عالی به درخواست تجدیدنظر رسیدگی کرده، در صورت پذیرش تجدیدنظرخواهی، حکم مقتضی صادر و الا حکم تجدیدنظر خواسته را تأیید می‌کند.

ماده ۱۱۴- محکوم‌علیه احکام قطعی موضوع مجازات درجه چهار و بالاتر اعم از آنکه حکم اجرا شده یا نشده باشد، در موارد زیر می‌تواند درخواست اعاده دادرسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی بدهد:



۱- صدور حکم قطعی دایر بر جعلی بودن اسناد و مدارک و یا خلاف واقع بودن شهادت شهود، در مواردی اسناد مذکور یا شهادت شهود مستند صدور حکم انتظامی بوده است.

۲- نقض حکم محکومیت کیفری و کیل و برائت قطعی وی در مواردی که حکم محکومیت کیفری، مستند صدور حکم انتظامی بوده است.

تبصره- مهلت تسلیم درخواست، یک ماه پس از ابلاغ حکم قطعی قضایی، موضوع بندهای فوق است.

ماده ۱۱۵- نقض حکم محکومیت انتظامی از سوی دادگاه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی، حسب مورد قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات است.

ماده ۱۱۶- در صورت رضایت شاکی پس از صدور حکم قطعی محکومیت، دادگاه صادر کننده حکم قطعی بنا به تقاضای محکوم علیه، می تواند مجازات را یک درجه تخفیف دهد.

ماده ۱۱۷- مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی، دادستان انتظامی و معاونان وی و رؤسا و اعضای شعب و کمیسیونها راجع به انجام وظایفشان هیأت مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می شود که به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود. مرجع شکایت انتظامی از هر یک از اعضای هیأت مدیره، راجع به وظایف آنها دادستان کل کشور است که پس از بررسی در صورت احراز تخلف پرونده را در اجرای ماده مذکور به دادگاه عالی ارسال می کند.



ماده ۱۱۸- رسیدگی انتظامی منوط به رسیدگی کیفری نیست و بر همین اساس، صدور رأی برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب در مرجع قضایی مانع از رسیدگی به جنبه انتظامی در دادسرا و دادگاه انتظامی نیست. در صورتی که تفکیک جنبه کیفری از جنبه انتظامی ممکن نباشد، رسیدگی انتظامی موکول به فراغ از جنبه کیفری در مراجع قضایی خواهد شد.

تبصره- در صورتی که دادسرا یا دادگاه انتظامی در حین رسیدگی متوجه ارتکاب جرمی از ناحیه وکیل شود، موظف است مراتب را جهت تعقیب قضیه به مرجع قضایی صالح اعلام کند.

بخش هشتم- تخلفات و مجازات‌های انتظامی:

ماده ۱۱۹ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) مجازات‌های انتظامی به ترتیب درجات زیر است:

- ۱- توبیخ کتبی بدون درج در پرونده
- ۲- توبیخ کتبی با درج در پرونده
- ۳- توبیخ کتبی با درج در پرونده مجله و پایگاه اطلاع رسانی کانون
- ۴- ممنوعیت موقت از وکالت به مدت سه ماه تا دو سال
- ۵- تنزل پایه وکالت
- ۶- حسب مورد ابطال پروانه و محرومیت دائم از وکالت



ماده ۱۲۰- مجازات انتظامی تخلف از مقررات و نظاماتی که کانون برای وکلای دادگستری تعیین می‌کند، درجه یک و دو است که از طرف رئیس کانون یا به پیشنهاد دادستان انتظامی اعمال می‌شود. اختیار رئیس کانون در اعمال مجازات های مقرر در این ماده مانع از صلاحیت دادگاه انتظامی برای تعیین مجازات های درجه ۱ و ۲ نمی‌باشد.

ماده ۱۲۱- هر وکیلی که مرتکب هر یک از رفتارهای زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۲ محکوم خواهد شد:

۱- نشانی پست الکترونیکی و اقامتگاه خود را مطابق با محل اشتغال به وکالت، به‌طور صریح و روشن به کانون اعلام نکند و در صورت تغییر محل نشانی محل جدید را ظرف ده روز کتباً به کانون اطلاع ندهد

۲- در صورتی که کلیه اوراق فرستاده شده از کانون اعم از نامه، اخطاریه، تصویر کیفرخواست و رأی را که به‌وسیله مأمور پست یا کانون ارائه می‌شود یا از طریق سامانه ابلاغ می‌شود، به‌محض ارائه، قبول و رؤیت نکند یا در مورد اوراق ارسالی به‌وسیله مأمور پست یا کانون رسید ندهد

۳- عدم پاسخ به شکایت‌ها و اعلامات انتظامی در مواعد تعیین شده، در دادسرا و دادگاه انتظامی از طریق تقدیم لایحه و همچنین خودداری از حضور در دادسرا و دادگاه انتظامی در مواردی که ضرورت حضور به وکیل اعلام می‌شود

۴- انجام مکاتبات مربوط به وظایف خود بدون استفاده از سربرگ خود که حاوی نام، نام خانوادگی، نشانی دفتر، شماره تلفن، پست الکترونیکی، شماره پروانه و نام کانون متبوع باشد و نیز در صورت درج



عناوین و سوابق شغلی غیر از وکالت در سربرگ و مکاتبات مربوط به
وظایف وکالتی خود

۵- عدم شرکت در برنامه‌های آموزشی و علمی که به منظور ارتقای
علمی و عملی وکلا از سوی کانون به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود

۶- نداشتن دفتر ثبت و بایگانی منظم و عدم تشکیل پرونده به صورت
فیزیکی یا الکترونیکی برای هر موکل به نحوی که حاوی کلیه اقدامات
انجام شده برای موکل باشد و نیز عدم نگهداری سوابق دعاوی موکلان
تا ۱۰ سال پس از مختومه شدن پرونده وکالتی

۷- عدم تحویل فوری پروانه وکالت، دفترچه و کارت شناسایی خود به
کانون در صورت تعلیق

۸- عدم رعایت نظم و انضباط در هنگام حضور در مراجع قضایی

ماده ۱۲۲- هر وکیلی که مرتکب یکی از رفتارهای زیر شود، به مجازات
انتظامی درجه ۳ محکوم می‌شود:

۱- دایر کردن دفتر وکالت در محل نامناسب یا مشارکت در اداره دفتر
با افراد غیر وکیل و یا عدم نظارت بر رعایت موازین قانونی و شرعی در
دفتر خود

۲- عدم تنظیم وکالت‌نامه و قرارداد مالی با موکل به نحو دقیق و کامل
و با درج تاریخ و مبلغ دقیق حق الوکاله و یا عدم تسلیم نسخه‌ای از
وکالت‌نامه و قرارداد مالی به موکل در قبال اخذ رسید و یا عدم ثبت



قرارداد مالی در سامانه ثبت قرارداد مالی و کلا یا عدم تسلیم نسخه‌ای از وکالت‌نامه و قرارداد مالی به مرجع قضایی

۳- عدم تسلیم رسید دریافت اصول اسناد به موکل

۴- در صورتی که به دو یا چند مرجع قضایی دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد، تقدم حضور در مرجع قضایی کیفری را رعایت نکند و در سایر دادگاه‌ها، در دادگاهی که وقت آن زودتر ابلاغ شده، حاضر نشود و به دیگر دادگاه‌ها لایحه نفرستد و به‌طور کلی مفاد ماده ۲۸ قانون وکالت را در زمان دعوت هم‌زمان در چند مرجع قضایی رعایت نکند

۵- عدم استفاده به‌موقع از اختیارات قانونی خود که مورد توکیل واقع شده، مانند اعتراض به نظریه کارشناسی، واخواهی یا تجدیدنظرخواهی؛ و در مواردی که با توجه به ادله ابرازی، اعتقادی به استفاده از اختیارات خود و اقدام در موارد مذکور نداشته باشد، به موکل یا نماینده امور او اطلاع نداده و موافقت کتبی دریافت نکرده باشد

۶- در صورتی که طبق قانون حضور در دادگاه الزامی است، بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به‌واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد و یا در صورت عدم انجام وظیفه وکالتی در مدت متعارف یا عدم پیگیری امور موکل بدون معاذیر قانونی و یا عدم دفاع از حقوق موکل پس از قبول وکالت و انجام تعهدات از سوی موکل، به‌نحوی که حق موکل یا فرصت و امکان دفاع از موکل تضییع شود



۷- ممانعت از استقرار صلح و سازش بین طرفین در هر یک از مراحل رسیدگی

۸- اخلال در نظم دادگاه و مراجع دولتی و عدم رعایت شأن مقامات قضایی و اداری

۹- در صورتی که اوراق وکالت نامه سفید امضای خود را در اختیار غیر قرار دهد

۱۰- اظهار خلاف واقع در بیان عذر، در مواردی که در مراجع قضایی و مراجع انتظامی کانون در مواعد مقرر حضور نیافته است

۱۱- خودداری از تمدید اعتبار پروانه بیش از شش ماه تا یک سال از تاریخ انقضا

۱۲- انجام یا قبول وکالت بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه و بدون تمدید آن

۱۳- چنانچه در هشت ماه ابتدایی کارآموزی و دوره های تمدیدی مربوط به آن، در امر وکالت مداخله کرده و یا در مرحله سوم کارآموزی، وکالت پرونده هایی را که از دخالت در آنها ممنوع است، بپذیرد

۱۴- در صورتی که از بیست و چهار ساعت قبل از جلسه هیأت عمومی برای انتخاب هیأت مدیره، اقدام به تبلیغ در موافقت یا مخالفت اشخاص نماید

۱۵- عدم پذیرش وکالت تسخیری یا معاضدتی ارجاع شده از سوی کانون یا عدم انجام مطلوب وظایف وکالتی معاضدتی یا تسخیری



ماده ۱۲۳- هر وکیلی که مرتکب یکی از تخلفات زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد:

۱- عدم پرداخت مالیات قانونی و عدم ایفای تعهدات مالی خود نسبت به کانون و صندوق حمایت وکلای دادگستری در موعد مقرر

۲- عدم تنظیم الحاقیه قرارداد و عدم پرداخت مالیات، سهم کانون و سهم صندوق حمایت وکلای دادگستری در مواردی که در خصوص حق الوکاله پس از تنظیم وکالت نامه و یا اعلام وکالت توافق دیگری شود

۳- اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد

۴- تصدیق مطابقت با اصل تصویر اسنادی که اصل آنها را رؤیت نکرده است

۵- عدم تسلیم رسید در مقابل وجه یا مال دریافتی از موکل یا نماینده وی و یا عدم استفاده از پایانه فروشگاهی

ماده ۱۲۴- هر وکیلی که مرتکب هر یک از رفتارهای زیر شود، به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد:

۱- ارتکاب اعمال و رفتاری که خلاف شئون وکالت یا اشتغال به شغلی که مخالف شأن و حیثیت وکالت است



تبصره- از جمله موارد رفتار خلاف شئون وکالت عبارت است از فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون جرم بوده و یا موجب وهن جامعه وکالت و یا مغایر عرف مسلم آن باشد به نحوی که اغلب وکلا آن را مذموم بدانند

۲- عدم رعایت موازین شرعی و قانونی یا شئون و منزلت وکالت در پوشش و رفتار و گفتار در هنگام حضور در مراجع قضایی یا دولتی یا محل کار

۳- درج شروط خلاف اخلاق حسنه یا شروط نامتعارف در قرارداد خصوصی خود با موکل، یا عمل برخلاف مصلحت موکل به استناد به اختیار صلح و سازش در مفاد وکالتنامه

۴- ارائه اسناد و مدارک یا اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاصی که به نحوی در رسیدگی به دعوا یا شکایت مداخله دارند، با علم به خلاف واقع بودن

۵- خودداری از استرداد اموال و سپرده‌های وصولی به نام موکل، پس از انتفای وکالت یا خودداری از تسویه حساب در مهلت متعارف

۶- انجام یا قبول وکالت در ایام تعلیق، ممنوعیت و محدودیت از وکالت در مراجع قضایی و مراجع اختصاصی غیر قضایی پیش بینی شده در این آیین‌نامه یا وکالت در درجه بالاتر از درجه پروانه خود

۷- خودداری از تمدید اعتبار پروانه بیش از یک سال تا هجده ماه پس از تاریخ انقضاء



۸- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا وسایل دیگر، درجه، میزان تحصیلات و تخصص خود را بالاتر و متفاوت از آنچه که دارد، معرفی کند یا از عناوین غیر واقعی استفاده نماید

۹- عدم اطلاع رسانی به موقع استعفای خود به موکل و مرجعی که پرونده در آن مطرح است، به نحوی که موجب تجدید جلسه شود یا باعث ضایع شدن حق تجدیدنظر خواهی موکل گردد یا در مواردی که بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیر قطعی، استعفا دهد؛ در زمان بیشتر از پنج روز از زمان ابلاغ رأی، استعفای خود را اطلاع دهد

۱۰- تبلیغ سوء علیه سایر وکلا، قضات و مراجع دولتی و قضایی و یا تبلیغ یا اظهار نظر علیه مبانی نظام جمهوری اسلامی و یا ارتکاب رفتار خلاف شرع یا قانون در فضای حقیقی و یا مجازی

ماده ۱۲۵- در صورت ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر وکیل در موارد زیر به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد:

۱- به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید، اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت، حیثیت و یا اعتبار موکل باشد

۳- حق الوکاله را در صدی از عین مدعی به یا عین محکوم به (غیر از وجه رایج) قرار دهد

۴- از مفاد سوگندی که یاد کرده، تخلف کند



۵- اعتبار پروانه را بیش از هجده ماه تا دو سال پس از تاریخ انقضا تمدید نکند

۶- بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر، وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در همان موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول کند

۷- با قضات و کارکنان دادگستری و سایر مراجع ذی ربط، ارتباط غیر اداری به منظور تبانی یا پرداخت هرگونه مالی اعم از وجه نقدی یا غیر نقدی برقرار کرده و یا از ارتباط با آنان تحت هر عنوانی در امور وکالت استفاده کند.

۸- در صورتی که نسبت به پرونده‌هایی که قبلاً در آنها قضاوت یا داوری کرده، مستقیماً یا با توکیل به غیر قبول وکالت کند. همچنین، در صورتی که هم‌زمان علیه اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی که مشاور یا وکیل آنهاست، قبول وکالت یا مشاوره یا داوری نماید.

۹- در صورت قطع رابطه همکاری با اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی که مستخدم یا به موجب قرارداد، مشاور آنها بوده، تا پنج سال از تاریخ قطع همکاری، وکالت یا مشاوره علیه آنها را بپذیرد. همچنین در هر زمان نسبت به پرونده‌ای که علیه آنها تشکیل می‌شود و وی اطلاعات موضوع آن پرونده را در اختیار دارد، علیه آنها قبول وکالت، مشاوره یا داوری نماید

۱۰- در موضوع پرونده به طرف دعوای موکل خود مشاوره حقوقی دهد یا هرگونه همکاری دیگری با طرف دعوای موکل کند



۱۱- قبول وکالت مستقیم یا با توکیل به غیر در صورتی که وکیل و قاضی رسیدگی کننده به پرونده، هم‌زمان با رسیدگی، رابطه استناد و دانشجویی داشته باشند

۱۲- قبول وکالت به رغم داشتن جهتی از جهات رد و یا عدم استعفا در صورت حدوث این جهات در اثناء وکالت

۱۳- تحصیل وکالت از طرق فریبنده یا اغوای موکل به انعقاد قرارداد یا پرداخت وجه با وعده تضمین نتیجه رسیدگی یا ادعای داشتن نفوذ یا تضمین حصول نتیجه در مدت معین

۱۴- در صورت تخلف از ماده ۷۹ این آیین‌نامه

ماده ۱۲۶- در صورت ارتکاب هر یک از رفتارهای زیر وکیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم و پروانه وی ابطال خواهد شد:

۱- اعتبار پروانه را به مدت بیش از دو سال پس از تاریخ انقضاء تمدید نکند

۲- برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته و ظرف یک ماه از تاریخ اعلام کانون، ضمن اعلام انصراف، پروانه خود را تسلیم ننماید

۳- در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده، اما بعداً فاقد یکی از شرایط شود و حداکثر ظرف یک ماه، کانون را کتباً مطلع نکرده و ضمن اعلام انصراف، پروانه خود را تسلیم ننماید



۴- استعمال مسکر و مواد مخدر و روان‌گردان و یا تجاهر به رفتار خلاف قانون یا خلاف شرع منجر به سلب شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه

۵- چنانچه ثابت شود با طرف موکل خود برای تضييع حق موکل تبانی کرده یا در موضوع پرونده خیانت دیگری نسبت به موکل مرتکب شده است.

ماده ۱۲۷ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در اجرای ماده ۵ قانون کیفیت اخذ پروانه، در صورت تخلف هر یک از اعضای هیأت مدیره کانون از مفاد قانون مذکور، به حکم دادگاه عالی علاوه بر محرومیت دائم از عضویت در هیأت های مدیره کانون، به انفصال از وکالت دادگستری به مدت دو تا پنج سال محکوم می شوند.

ماده ۱۲۸- وکلایی که حسب قانون اجازه وکالت در یک حوزه قضایی را ندارند، به هر شکل ممکن از هرگونه اقدام اعم از قبول وکالت برای مطالعه پرونده و یا به طور مشترک با سایر وکلا و کارآموزان و یا توکیل به غیر ممنوع هستند تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۴ در نوبت اول و درجه ۵ در نوبت دوم و درجه ۶ در نوبت سوم است.

ماده ۱۲۹- در صورت دریافت هرگونه وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیررسمی از او علاوه بر میزان مورد توافق به عنوان حق الوکاله و در موردی که توافقی در بین نباشد، زائد بر تعرفه حق الوکاله و هزینه های دادرسی و هزینه های سفر و دیگر هزینه های متعارف مربوط به رسیدگی تحت هر اسم و هر عنوان از قبیل وجه



التزام و تضمین و مانند آن، مرتکب به مجازات انتظامی از درجه ۵ به بالا محکوم می‌شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت، منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را از طریق توسل به حيله انجام دهد، مثل اینکه پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد، در اجرای ماده ۳۴ قانون وکالت کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب کیفری واقع خواهد شد.

ماده ۱۳۰- وکیل حق ندارد دعاوی را به صورت ساختگی یا در ظاهر به اسم دیگری و در واقع به اسم خود انتقال بگیرد؛ این قبیل دعاوی در مراجع قضایی پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۱- وکیل نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای رد قاضی، حکم و یا وکیل طرف مقابل و یا به منظور اطاله رسیدگی یا تحقیقات، به وسیله خدعه آمیزی متوسل شود. متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۲- وکیل باید در مذاکرات شفاهی در مراجع قضایی و لوائح کتبی، احترام و نزاکت را نسبت به قضات، مقامات اداری، دیگر وکلا و اصحاب دعوی رعایت کند. در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شود. در صورتی که رفتار ارتكابی مشمول یکی از عناوین جزایی باشد، قابل تعقیب جزایی است.

ماده ۱۳۳- وکیل نمی‌تواند چند شعبه یا مؤسسه فرعی ایجاد کند. همچنین نمی‌تواند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت



کرده است، دفتر وکالت تأسیس نماید و نیز نمی تواند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز کند. تخلف از این حکم مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ در نوبت اول و درجه ۴ در نوبت دوم و درجه ۵ در نوبت سوم است.

ماده ۱۳۴- دادگاه نمی تواند تخلف وکیل را به کلی عفو کند؛ اما چنانچه موجبی برای تخفیف باشد، در موردی که مجازات دارای حداقل و حداکثر است، می تواند مجازات حداقل را تعیین کند و در دیگر موارد یک تا دو درجه تخفیف بدهد.

ماده ۱۳۵- جهات تخفیف مجازات انتظامی عبارتند از:

۱- فقدان سابقه محکومیت انتظامی

۲- سابقه فعالیت مؤثر در امر معاضدت

۳- رضایت شاکی یا استرداد شکایت

۴- همکاری مؤثر مشتکی عنه در جبران خسارت شاکی

۵- همکاری مؤثر مشتکی عنه با مراجع رسیدگی به تخلف انتظامی در کشف حقیقت

ماده ۱۳۶- در صورت ارتکاب تخلفات متعدد از سوی وکیل یک مجازات انتظامی تعیین می شود. چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می شود که شدیدتر است و چنانچه دارای مجازات یکسان باشند، تنها یک مجازات معین و مرتکب به حداکثر مجازات قانونی آن تخلف محکوم



می‌شود. در هر صورت، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تشدید کند.

ماده ۱۳۷- هرگاه وکیل به مجازات انتظامی محکوم شود و ظرف سه سال از قطعیت حکم، مرتکب تخلف دیگری شود، به یک درجه بالاتر از مجازات مقرر محکوم می‌شود.

ماده ۱۳۸- درخواست انصراف از وکالت، از کارافتادگی، بازنشستگی و ابطال پروانه، مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست و تا تعیین تکلیف پرونده انتظامی و حسب مورد اجرای حکم، تقاضای بازنشستگی قابل پذیرش نخواهد بود.

ماده ۱۳۹- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی وکلا دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است. در صورتی که وکیل تعقیب شده باشد، مدت مرور زمان دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است.

ماده ۱۴۰- در صورتی که نسبت به وکیل به اتهام ارتکاب جرائم درجه یک الی شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، کیفرخواست یا حکم محکومیت غیرقطعی صادر شود، دادستان عمومی و انقلاب یا رئیس حوزه قضایی یا دادگاه رسیدگی کننده، باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف رئیس کانون به دادگاه انتظامی ارجاع شود. دادگاه انتظامی در صورتی که دلایل را قوی بداند و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد، حکم تعلیق موقت او را تا صدور حکم قطعی در پرونده کیفری یا انتظامی صادر می‌کند. در کلیه مواردی که تفکیک جنبه انتظامی از جنبه کیفری ممکن باشد، پرونده برای



رسیدگی به تخلف انتظامی وکیل، نزد دادستان انتظامی ارسال می‌شود و طبق مقررات به تخلف انتظامی رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۴۱- قضات دادگاه، دادسرا و اجرای احکام یا دیگر مقامات قضایی که از وجود سابقه محکومیت کیفری وکلای دادگستری یا کارآموزان وکالت و یا از محکومیت یا پرونده های اتهامی آنان در ارتباط با جرائمی که ارتکاب آن مخالف حیثیت و شئون وکالت است، مطلع شوند، ضمن اطلاع به دادستان یا رئیس حوزه قضایی، مراتب را به طور مستند به کانون اعلام می‌کنند تا مطابق مقررات رسیدگی شود.

ماده ۱۴۲- در صورت ارتکاب جرائم درجه یک الی شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، در طول مدت اجرای مجازات و حسب مورد مدت مقرر در بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۲۵ قانون مذکور، پروانه وکالت وکیل تمدید نمی‌شود و در سایر موارد مرتکب به تشخیص دادگاه انتظامی به مجازات انتظامی درجه سه الی پنج محکوم می‌شود.

ماده ۱۴۳- کارآموزان وکالت مشمول کلیه مقررات انتظامی خواهند بود.

ماده ۱۴۴- تعقیب انتظامی مانع از تعقیب کیفری یا طرح دعوای مدنی نیست.

بخش نهم- اجرای احکام انتظامی:

ماده ۱۴۵- احکام دادگاه انتظامی توسط دادسرای انتظامی و تحت نظر دادستان اجرا می‌شود. بدین منظور واحد اجرای احکام دادسرا ایجاد



می‌شود. دادستان می‌تواند یکی از معاونان خود را به‌عنوان متصدی اجرای احکام انتخاب کند.

ماده ۱۴۶- آرای محکومیت انتظامی در موارد زیر پس از ابلاغ به‌موقع اجرا گذاشته می‌شود:

۱- آرای قطعی که دادگاه انتظامی صادر می‌کند

۲- آرای غیرقطعی دادگاه انتظامی که در مهلت مقرر نسبت به آن‌ها درخواست تجدیدنظر نشده باشد

۳- آرای دادگاه انتظامی که دادگاه عالی آن‌ها را تأیید کرده یا آرای که دادگاه عالی پس از نقض رأی دادگاه انتظامی، صادر کرده باشد.

تبصره- حکم تعلیق بلافاصله بعد از صدور، اجرا می‌شود و اعتراض وکیل موجب توقف اجرای آن نیست.

ماده ۱۴۷- یک نسخه از کلیه دادنامه‌های محکومیت انتظامی اعم از قطعی و غیرقطعی در پرونده محکوم‌علیه نگهداری می‌شود.

ماده ۱۴۸- حکم محکومیت در کانونی اجرا می‌شود که صادرکننده حکم است. در صورتی که وکیل محکوم‌علیه عضو کانون دیگری باشد، رونوشت حکم به کانون متبوع وکیل ارسال می‌شود. رونوشت حکم محرومیت دائم یا ابطال پروانه به کلیه کانون‌ها و مرکز وکلا، مشاوران و کارشناسان قوه قضاییه ارسال می‌شود.

ماده ۱۴۹- درخواست تجدیدنظر درباره یک قسمت از حکم، مانع از اجرای سایر قسمت‌های لازم‌الاجرا نیست.



ماده ۱۵۰- هرگاه حکم، در خصوص چند وکیل صادر شده و بعضی از آنان در مهلت مقرر درخواست تجدیدنظر کرده باشند، پس از انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی نسبت به افرادی که تجدیدنظرخواهی نکرده‌اند، لازم‌الاجرا است.

ماده ۱۵۱- در اجرای مجازات انتظامی درجه چهار و پنج، مدت تعلیق در موضوع همان پرونده، از مدت محرومیت کسر خواهد شد.

ماده ۱۵۲- اجرای حکم محرومیت انتظامی جز در موارد قانونی متوقف نمی‌شود.

ماده ۱۵۳- محرومیت به مجازات درجه ۴ و ۵ نسبت به وکلی اجرا می‌شود که پروانه معتبر داشته باشد. در صورتی که محکوم علیه پروانه خود را تمدید اعتبار نکرده باشد، محرومیت‌های مذکور پس از تمدید اعتبار پروانه، اجرا می‌شود.

ماده ۱۵۴- چنانچه وکیل به موجب حکم قطعی به مجازات انتظامی محکوم شود، پس از گذشت مواعد زیر اعاده حیثیت می‌شود و کلیه آثار محرومیت وی زایل می‌گردد:

۱- محرومیت انتظامی درجه ۱ و ۲، دو سال از تاریخ صدور حکم قطعی؛

۲- محرومیت انتظامی ۳ و ۴، چهار سال از تاریخ صدور حکم قطعی؛

۳- محرومیت انتظامی درجه ۵، شش سال از تاریخ صدور حکم قطعی.



تبصره- مدت‌های مذکور نسبت به عضویت در هیأت مدیره، دادگاه و دادرسی انتظامی، کمیسیون‌های کارآموزی و ترفیعات، به ترتیب چهار سال و پنج سال و هفت سال از تاریخ صدور حکم قطعی است.

ماده ۱۵۵- وکلا و کارآموزانی که موقتاً به کانون دیگری منتقل می‌شوند، چنانچه در مدت انتقال مرتکب تخلفی شوند، از سوی کانون محل انتقال موقت مورد تعقیب قرار می‌گیرند و رونوشت رأی به کانون متبوع آن‌ها ارسال می‌شود و اتمام مدت انتقال تأثیری در صلاحیت کانون محل انتقال ندارد. در صورت امتناع کانون مذکور، کانون متبوع موظف به رسیدگی است.

بخش دهم: سایر مقررات:

ماده ۱۵۶- به منظور شفافیت عملکرد کانون‌ها و وکلا و سهولت دستیابی مردم به خدمات وکالتی و فراهم نمودن موجبات ارزیابی عملکرد وکلا، ظرف مدت یک سال از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه، سامانه خدمات الکترونیکی وکالت (سخاوت) توسط کانون‌ها ایجاد و کلیه فرایندهای اداری و تبادل اطلاعات از جمله امور مربوط به ثبت‌نام، کارآموزی، صدور و تمدید پروانه، مکاتبات با مقامات قضایی و اداری، اخذ و ثبت شکایات انتظامی و غیره، در این سامانه تعریف و به صورت الکترونیکی انجام می‌شود.

ماده ۱۵۷- منابع مالی کانون به شرح زیر است:

۱- حق عضویت وکلا و کارآموزان



۲- سهم قانونی کانون از حق الوکاله وکلا و کارآموزان و حق المشاوره وکلا

۳- سهم قانونی کانون از حق الزحمه وکالت‌های تسخیری و معاضدتی

۴- کمک‌ها و هدایای اشخاص و درآمدهای ناشی از وصایا و موقوفات

۵- وجوه حاصل از چاپ و فروش کتب و نشریات و نیز ارائه خدمات علمی، فرهنگی و آموزشی به اعضا

ماده ۱۵۸- در کلیه مواردی که مطابق قوانین یا مقررات این آیین‌نامه، برای تصدی هر یک از سمت‌های مربوط به ارکان کانون و نهادهای وابسته به آن و یا سمت‌های مربوط به مجامع، کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و هیأت‌های مربوط یا وابسته به کانون، داشتن شرایط قانونی عضویت در هیأت مدیره کانون مقرر شده باشد، افرادی که به موجب تصمیم دادگاه عالی جهت عضویت در هیأت مدیره کانون رد صلاحیت شده باشند، تا پایان آن دوره از تصدی سمت‌های مذکور ممنوع هستند. تصدی هر یک از سمت‌های مذکور در این ماده توسط افراد رد صلاحیت شده بعد از دوره مزبور، منوط به تأیید صلاحیت آنان در دادگاه عالی است.

ماده ۱۵۹ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در موارد زیر پروانه وکالت تمدید نمی‌شود.

۱- بازنشستگی

۲- از کارافتادگی بیش از هفتاد درصد

۳- انصراف از وکالت



۴- در صورت صدور حکم محکومیت به مجازات های انتظامی درجه ۶ یا رأی تعلیق از وکالت حسب مورد از سوی دادگاه انتظامی با دادگاه عالی یا محرومیت به سبب موارد مقرر در ماده ۱۴۲ این آیین نامه

تبصره (الحاقی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در صورتی که وکیل در زمان اعتبار پروانه وکالت مرتکب جرمی شود طبق قوانین و مقررات مربوط عمل خواهد شد.

ماده ۱۶۰- در صورت فوت یا حجر وکیل یا کارآموز، مطابق ماده ۵۶ قانون وکالت عمل می شود.

ماده ۱۶۱ (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) ضوابط مربوط به انتخابات، کارآموزی، نقل و انتقال، ایجاد سامانه الکترونیک، شرایط تمرکز فعالیت، تعیین محل اشتغال، داوطلبان معاف از آزمون و تعیین نظامات کانون برای وکلای دادگستری ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ ابلاغ این آیین نامه توسط کانون ها تنظیم و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

تبصره (اصلاحی ۱۴۰۲/۴/۱۱) در صورت عدم تهیه ضوابط مذکور از سوی کانون ها در مهلت مقرر معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه ضوابط موضوع این ماده را به منظور تصویب توسط رئیس قوه قضائیه، تدوین می کند.

ماده ۱۶۲- کانون های متکفل امور استان های فاقد کانون و دادگستری های کل استان های مذکور مکلفند بلافاصله پس از ابلاغ این آیین نامه با لحاظ نصاب مقرر در ماده ۱ لایحه استقلال و رعایت تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه، ضمن هماهنگی، اقدامات اجرایی لازم را به منظور تشکیل کانون مستقل در استان های فاقد کانون انجام



و در اسرع وقت نسبت به برگزاری انتخابات با رعایت موازین قانونی اقدام نمایند.

ماده ۱۶۳- در اجرای مواد ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱ و ۲۶ لایحه استقلال، معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه مأمور هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه است.

ماده ۱۶۴- این آیین نامه در اجرای ماده ۲۲ لایحه استقلال قانون وکلا در تاریخ ۲/۴/۱۴۰۰ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجراست. نظامنامه وکالت مصوب ۱۳۱۶ در موارد مغایر و نیز آیین نامه اجرایی لایحه استقلال قانون وکلا مصوب ۱۳۳۴ و آیین نامه اجرایی لایحه استقلال قانون وکلا مصوب ۱۳۸۸ از تاریخ ابلاغ این آیین نامه ملغی می شود.

تهیه و تنظیم: میلاد مهدوی

سید ابراهیم رئیسی